

فهرست

بخش دوم :

۳	وظیفه انسان زندگی در روح
۳	ارزش و مرتبت انسان
۵	عیسی راه راستی و حیات
۶	کمال شریعت
۱۴	مرا، متابعت نما
۱۸	رشد در فیض، فضایل

بخش چهارم :

۲۲	دعا- ملاقات با خدا
۲۲	دعا در عهد عتیق
۲۳	دعای عیسی
۲۴	زندگی در دعا
۲۵	اشکال دعا

دعای ربانی:

۲۷	ای پدر ما که در آسمانی
۲۸	نام تو مقدس باد
۲۹	ملکوت تو بیاید
۳۰	ارادهی تو کرده شود

۳۲	نان روزانه ما را به ما بده
۳۳	گناهان ما را ببخش
۳۴	ما را در آزمایش میاور
۳۵	بلکه از شریر، ما را رهایی ده
۳۶	تو را می پرستیم و سپاس می گوئیم
	ضمیمه:
۳۷	دعاها
۴۲	احکام
۴۳	رازها
۴۴	گناهان و فضایل (هفت گناه مهلک و هفت فضیلت)
۴۵	مواهب و عطایای روح القدس

بخش سوم (ترجمه آرمان)

وظیفه انسان

زیستن در مسیح

۱۶- وظیفه انسان - زندگی در روح

انسان "تنها مخلوقی است بر روی زمین که خدا او را تنها برای خود می‌خواهد" (اصل جزمی ۱۷۰۳). از لحظه انعقاد لقاح، سعادت و شادمانی ابدی را برای وی مقدر فرموده است. خدا به او حیاتی روانی و جاودان عطا فرمود که وی را قوت می‌بخشد تا در "نور و قدرت روح القدس سهیم گردد. به واسطه برخورداری از نیروی خرد و تعقل قادر به درک و شناخت چیزهایی است که خالق بنیان نهاده است. به سبب اراده آزاد، از این قابلیت برخوردار است که خویشتن را به سوی آنچه نیکویی راستین است رهنمون گردد. او کاملیت خویش را^۳ در جستجو کردن و عشق ورزیدن به حقیقت و نیکویی می‌یابد" (اصل جزمی ۱۷۰۴).

۱۶. ۱ ارزش و مرتبت انسان

● انسان به شباهت خدا آفریده شد

هنگامی که خدا انسان - یعنی مرد و زن - را آفرید، ایشان را به صورت خود و موافق شبیه خود خلق فرمود (پیدا ۱:۲۶). اما این زیبایی و شکوه اولیه به سبب گناه اولیه تباه شد، و در نتیجه انسان بیش از آن قادر به شناخت فروغ درخشنده دعوت خویش نبود. پیش از آنکه او بتواند به راستی مفهوم ساخته شدن در شباهت خدا را درک کند، می‌بایست منتظر می‌ماند تا پسر خدا متجسم گردد. از آن رو که مسیح به واقع "صورت خدای نادیده است" (کول ۱:۱۵). او پسر بی‌عیب و کامل خداست که خود را مشابه ما ساخت تا راز پدر را بر ما مکشوف سازد و ما را به آن محبت فرزندی که خود نسبت به پدر داشت هدایت کند. اکنون، هنگامی که در باره عیسی، پسر خدا که انسان شد به تعمق می‌نشینیم، می‌توانیم ماهیت والا و اعجاب‌انگیز دعوت هر انسان را درک کنیم. "صورت خدا که در گناه اولیه مخدوش گشت، اکنون در مسیح، در آن نجات دهنده و فدیة کننده، به همان شکوه و زیبایی اولیه احیا شده و در فیض خدا منزلت والای خویش را باز یافته است." (اصل جزمی ۱۷۰۱).

"او در ابتدا انسان را آفرید و سپس او را آزاد گذارد تا تصمیم خویش را عملی سازد" (سیراخ ۱۴:۱۵) "خدا انسان را موجودی بهره‌مند از نیروی خرد و تعقل آفرید و به او منزلت احاطه و نظارت بر اعمالش را عنایت فرمود" (اصل جزمی ۱۷۰۳). این بدان معناست که انسان قابلیت جستجو و پیروی خالق خویش را بر وفق خواست و رضایت خود دارد و می‌تواند فارغ از هر قیدی به او تقرب جسته و متکی گردد، و در نتیجه به

کاملیت دعوت خویش نایل شود. آیین آزادی به طور خاص به انسان داده شده است و شکوه شان و مرتبت او را آشکار می‌سازد. "هر فرد از نوع بشر به شباهت خدا آفریده شده است، و این حق طبیعی را دارد که وجودی آزاد و مسؤول شناخته شود. از این جنبه، همه ما مرهون یکدیگر هستیم. حق استفاده از آزادی به ویژه در امور اخلاق و مذهبی، نیاز اجتناب ناپذیر منزلت والای انسان است."

● آزادی و قداست انسان

مرگ مسیح بر روی صلیب، نجات را برای همگان فراهم ساخت. او ما را از بند اسارت گناه رها کنید. حضرت پولس می‌فرماید: "پس به آن آزادی که مسیح ما را به آن آزاد کرد استوار باشید" (غلاطیان ۱:۵). او حقیقت و راستی است و ما را با آن حقیقتی که "آزادمان می‌سازد" مرتبط می‌نماید (یوحنا ۸:۳۲). او روح القدس را به ما عطا فرمود و "جائیکه روح خداوند است آنجا آزادی است" (دوم قرنتیان ۳:۱۷). شکر یه خاطر آن نجات و رستگاری که عیسی، پسر خدا به ما ارزانی فرمود تا ما نیز در "آزادی جلال فرزندان خدا" سهیم شویم. این آزادی بدان منظور به ما عطا نشد که بی هدف و بدون قوه تشخیص دست به انتخاب میان خوب و بد بزنیم، بلکه تا به خواست خود آنچه را که نیکو و منطبق با حقیقت و راستی است برگزینیم. فیض مسیح به هیچ وجه در تقابل با آزادی ما قرار ندارد بلکه بعکس، هر چه بیشتر مطیع فیض باشیم، بیشتر شاهد رشد و بالندگی آزادی باطنی خود خواهیم بود. به همین دلیل است که اکنون قدرتی در وجود خود داریم که ما را قادر می‌سازد تا در حمایت از نیکویی دست به گزینش‌های صحیح بزنیم بی آنکه از بابت فشارها، الزامات و قیودات دنیای خارج و یا تمایلات خودخواهانه و گرایشهای طبیعی خود که به محبوس شدن ما در زندان درونی مان میانجامد در نوسان و تلاطم باشیم. شهیدان، درخشنده و پر تلائولو بر بلندای رفیع این آزادی ایستاده‌اند، چه آنها آموخته بودند که چگونه در ایمان و محبت به مسیح پیوسته پایدار بمانند و حتی مرگی دهشتناک را با شهامت در آغوش کشند. روح القدس ما را از طریق سر سپردن به خواست و اراده خدا، به سوی آزادی روحانی هدایت می‌کند و ما می‌توانیم با طیب خاطر همکار او در کلیسا و در دنیا باشیم (اصول جزمی ۴۲-۱۷۴۱).

● صدای وجدان

هر انسانی، ندایی را از اعماق قلب خود می‌شنود، ندایی که بر آن نام وجدان نهاده‌ایم. صدای وجدان این امکان را در اختیار فرد می‌گذارد که اعمال خویش را مورد ارزیابی و قضاوت قرار بدهد. وجدان ما، محرم ما و مرکز اسرار ما است، مکان مقدسی که در آنجا با خدا تنها هستیم و می‌توانیم صدای او را بشنویم. یک وجدان بیدار، قدرت تشخیص نیک و بد را به هر مرد و زن و کودکی می‌بخشد. به همین دلیل می‌توانیم بگوییم: من وجدان آسوده‌ای دارم؛ درست عمل کرده‌ام. یا: من وجدان معذبی دارم، مرا می‌آزارد، من اشتباه کرده‌ام. "انسان در عمق وجدان خود شریعتی را کشف می‌کند که فرض واجب بر ذمه او نیست لیکن باید از آن اطاعت کند. صدای آن همواره او را به محبت و نیکویی و پرهیز از شرارت دعوت می‌کند. صدایی قلبی که درست در لحظه مناسب به گوش می‌رسد ... چرا که انسان در قلب خود شریعتی دارد که خدا آن را نوشته است" (اصل جزمی ۱۷۷۶).

انسان از طریق توجه به ندای وجدان می‌تواند دریابد که خدا چه انتظاری از او دارد. بنابراین هر شخص، ملزم به شنیدن صدای وجدان خود و تبعیت از آن می‌باشد. هر کس که نسبت به صدای وجدان خویش بی‌توجه باشد به خود آسیب رسانیده و بر خلاف شادمانی و خرسندی خویش رفتار کرده است.

ما باید وجدان خود را "شکل" بدهیم. یعنی آن را به گونه‌ای آموزش بدهیم که به شریعت باطنی مکتوب بر قلب‌های ما توجه کند. پرورش دادن و اعتلا بخشیدن به وجدان، فرایندی است که تمام طول زندگی را شامل می‌شود. فرایندی که از اوان کودکی آغاز می‌گردد و به همین دلیل است که نقش تربیتی والدین و سایرین اهمیت بسزایی پیدا می‌کند. برای مسیحیان "کلام خدا، روشنگر راه و چراغ هدایت است. ما باید جذب ایمان و دعا شویم و ایمان خود را در عرصه عمل، فعال سازیم... ما از عطایای روح القدس، مدد و از نصایح دیگران کمک و از آموزه‌های محکم و موثق کلیسا هدایت یافته‌ایم" (اصل جزمی ۱۷۸۵). در مسیر شکل دادن به وجدان به طور صحیح، دو روش مهم وجود دارد — تفتیش مکرر وجدان و دریافت مداوم راز مصالحه.

۱۶-۲ عیسی، راه و راستی و حیات

● راه شادمانی

هر انسانی به طور فطری خواستار شادمانی است. این تمایل طبیعی از خدا نشأت می‌گیرد که آن را در قلب ما نهاد تا ما را به سوی خویش جذب کند چون تنها او می‌تواند این آرزو را در مفهوم واقعی آن تحقق بخشد. یکروز عیسی به کوهی برآمد و در جمع شاگردان و انبوه پیروانش، خوشابحال‌ها را بیان فرمود (متی ۳:۵-۱۲). این بیانات قلب تعالیم او هستند که از آن هنگام که بر زبان وی جاری شدند در سرتاسر عالم طنین افکنده‌اند چرا که در انطباق کامل با عمیق‌ترین نیاز فطری انسان یعنی آرزوی شادمانی قرار دارند. به راستی که فرمایشات عیسی به کاملترین نحو گستره این آرزو را در بر می‌گیرند. اما شادمانی ما هرگز بر روی زمین شکل کامل خود را نخواهد یافت چون تنها در ملکوت آسمان به نحو کامل متحقق خواهد شد.

خوشابحال مسکینان در روح، زیرا ملکوت آسمان از آن ایشان است.

خوشابحال ماتمیان، زیرا ایشان تسلی خواهند یافت.

خوشابحال حلیمان، زیرا ایشان وارث زمین خواهند شد.

خوشابحال گرسنگان و تشنگان عدالت زیرا ایشان سیر خواهند شد.

خوشابحال رحم کنندگان، زیرا بر ایشان رحم کرده خواهد شد.

خوشابحال پاک دلان، زیرا ایشان خدا را خواهند دید.

خوشابحال صلح کنندگان، زیرا ایشان پسران خدا خوانده خواهند شد.

خوشابحال زحمت کشان برای عدالت، زیرا ملکوت آسمان از آن ایشان است.

خوشابحال‌ها، توصیف‌گر چهره عیسی مسیح و نمایان‌کننده مهر و محبت او هستند. آنها مظهر پیوند وفادارانه او با مصائب و قیام پر جلالش می‌باشند، آنها چون نور بر اعمال و نگرش‌های خاص زندگی مسیحی می‌تابند، آنها وعده‌هایی متناقض نما هستند که امید را در فرایند مصیبت‌ها نیز زنده نگاه می‌دارند، آنها برکات و پاداش‌هایی را اعلام می‌کنند که قبلاً قطعی و مسلم شده‌اند، اگر چه مبهم به نظر برسند. آنها در زندگی شاگردان مسیح، مریم باکره و تمام قدیسین شروع شده بودند (اصول اعتقادی کلیسای کاتولیک. اصل جزمی ۱۷۱۷).

● عیسی و اخلاقیات

یکروز مرد جوانی به حضور عیسی آمد و سوال کرد: "ای استاد نیکو، چه عمل نیکو کنم تا حیات جاودانی یابم؟ (متی ۱۹:۱۶). عیسی در پاسخ فرمود: "اگر بخواهی داخل حیات شوی، احکام را نگاه دار." این روایت به ما می‌گوید که احکام خدا راه حیات را به هر انسان نشان می‌دهد و به سوی آن هدایتش می‌کند. در عهد عتیق، موسی احکام دهگانه خدا یعنی ده فرمان را به مردم اعلام کرد. اکنون عیسی، پسر خدا و مکاشفه کامل او این احکام را مجدداً به ما می‌دهد. او با قطع مسلم بر آنها تاکید دارد و آن احکام را به عنوان راه و شرط نجات در برابر ما می‌گذارد. کسی که احکام را اطاعت کند، حیات جاودان را که مشارکت در حیات خداوند است بدست خواهد آورد. این مشارکت به طور کامل اتفاق نخواهد افتاد مگر بعد از مرگ. اما به واسطه ایمان، حتی اکنون نیز روشنگر حقیقت و معنا بخش زندگی ما می‌باشد. از هم اکنون ما شراکت در این کاملیت را آغاز کرده‌ایم. شکر به خاطر اتحاد ما با عیسی که خواهان پیروی او هستیم.

۱۶-۳ کمال شریعت

"عدالت تو عدل است تا ابدالابد و شریعت تو راست است." (مزمور ۱۱۹:۱۴۲)

مرد جوانی که در روایت انجیل به نزد عیسی آمد و عرض کرد کدام عمل نیکو را باید به جا آورد، در واقع عمل نیکو را انجام داده بود چرا که عیسی خود، کمال شریعت است. او آن روح را به ما عطا فرمود که ما را با وی متحد می‌سازد، به شباهت او مشابه می‌گرداند و ما را قوت می‌بخشد تا موافق میل و اراده او عمل کنیم.

● یک حکم

هرکه احکام مرا دارد و آنها را حفظ کند

آنست که مرا محبت می‌نماید

و آنکه مرا محبت نماید

پدر من او را محبت خواهد نمود

و من او را محبت خواهم نمود و خود را به او ظاهر خواهم ساخت.

انجیل حضرت یوحنا ۱۴:۲۱

در کتب عهد عتیق احکام و فرایض فراوانی وجود دارند. آنها به ما می‌گویند که خدا چگونه به مسایل می‌نگرد و ما چگونه می‌توانیم به نحو مورد پسند در نظر او زیست کنیم.

معلمین و مردان مقدس اسرائیل سوال می‌کردند: آیا در میان این احکام، حکمی وجود دارد که اولی‌تر از سایرین باشد، حکمی که بتوان مفهوم تمامی احکام را از آن استنباط کرد؟ آیا راه ساده‌ای وجود دارد که به انسان بگوید چگونه باید باشد و چه کار کند تا وارث حیات جاودان با خدا گردد؟ رّبی‌های یهود کتب مقدسه را تفتیش می‌کردند و اصولی بنیادی و مطمئن را در این خصوص یافتند. پس جای شگفتی نیست که معلمین یهودی معاصر عیسی می‌خواستند بدانند که این معلم ناصری در این زمینه چه می‌گوید. عیسی با ترکیب نمودن دو عبارت از عهد عتیق، یک حکم واحد را اعلام فرمود.

عیسی فرمود:

خداوند خدای خود را به همه دل و تمامی نفس و تمامی فکر خود محبت نما.

این است حکم اول و اعظم.

و دوم مثل آن است.

یعنی همسایه خود را مثل خود محبت نما.

انجیل حضرت متی ۲۲:۳۷-۳۹

این حکم که عیسی آن را به عنوان اساس و زیربنای تمامی احکام بیان فرمود، مبین برنامه زندگی است. کسی که محبت دارد، هراسی از قهر و غضب خدای قادر مطلق نخواهد داشت. چنین شخصی می‌تواند به خدا توکل و اعتماد داشته باشد و نسبت به او وفادار بماند — حتی زمانی که چون ایوب بر زمین افتاده باشد و نتواند مقصود آنچه را که خدا بعمل می‌آورد درک کند. او می‌داند که می‌تواند به محبت خدا اعتماد کند حتی اگر مانند پسر گمشده به راه انحراف رفته باشد. انسانی که خدا را با تمامی دل و تمامی نفس و تمامی فکر خود محبت می‌نماید وارث حیات جاودان خواهد بود. در پناه قدرت این محبت، کسی که خویش را برای خدمت به دیگران متعهد می‌داند، روی خود را از نفرت و انزجار، بدگمانی، ترس و ناامیدی برمی‌گرداند و محبت خویش را ابراز می‌کند؛ کسی است که به راستی خدا و بندگانش او را خدمت می‌کند. در این راستا، او مسؤولیت واقعی خود را به عنوان یک انسان در ارتباط با سایر انسان‌ها بر عهده می‌گیرد. این محبتی است که همه چیز را در آغوش دارد — خدا، همسایه و خودمان را.

خدا ابتدا ما را محبت نمود

وقتی مرتکب گناه می‌شویم، تو ما را کاملاً از خود دور نمی‌سازی.

وقتی افتاده‌ایم، تو ما را دوباره بلند می‌کنی.

وقتی توبه می‌کنیم، تو به ملاقات ما می‌آیی.

وقتی دچار تردید می‌شویم، تو از طریق کلامت با ما سخن می‌گویی.

وقتی گناهان موجب سقوط ما می‌شوند، تو ما را در آغوش می‌گیری.
وقتی ایمان می‌آوریم، تو ما را از داوری نجات می‌دهی.
وقتی با مرگ روبرو می‌شویم، تو ما را به حیات جاودان فرا می‌خوانی.
از همین رو است که ما می‌توانیم یکدیگر را محبت کنیم.

● ده فرمان

بعد از آنکه خدا قوم خویش را از اسارت بندگی در مصر رها کنید و آنان را به سوی آزادی در سرزمین موعود هدایت فرمود، با ایشان عهد بست، عهدی که آینده قوم اسرائیل بدان وابسته بود :

شما آنچه را که من به مصریان کردم، دیده‌اید و چگونه شما را بر بالهای عقاب برداشته نزد خود آورده‌ام. و اکنون اگر آواز مرا فی‌الحقیقه بشنوید و عهد مرا نگاه دارید، همانا خزانه خاص من از جمیع قوم‌ها خواهید بود. زیرا تمامی جهان از آن من است. و شما برای من مملکت کهنه و امت مقدس خواهید بود (خروج ۱۹: ۴-۶).

یادآوری عهدی که خدا با قوم خود در کوه سینا در بیابان منعقد نمود برای اسرائیل یک سنت مقدس است. مفاد این عهد — ده فرمان — بر دو لوح سنگی نوشته و در صندوق عهد نگهداری می‌شد. آنها تعهد و الزامی برای تمام زمان‌ها هستند. در حقیقت قوم اسرائیل به خوبی دریافته بودند که فراین اعطا شده از جانب خدا برای قوم بر پایه محبت استوار هستند. خدا مایل است که انسان‌ها به شباهت او متبدل شوند و او — محبت است.

این حکمی که من امروز به تو امر می‌فرمایم برای تو مشکل نیست و از تو دور نیست. نه در آسمان است که بگویی کیست مه برای ما به آسمان صعود کرده آن را نزد ما بیاورد، و آن را به ما بشنوند تا بعمل آوریم. و نه آن طرف دریا که بگویی کیست که برای ما به آن طرف دریا عبور کرده آن را نزد ما بیاورد و به ما بشنوند تا بعمل آوریم. بلکه این کلام بسیار نزدیک توست و در دهان و دل توست تا آن را به جا آوری.

تثنيه ۳۰: ۱۱-۱۴

● حکم اول

تو را خدایان دیگر غیر از من نباشد

پس بپوه خدای خود را به تمامی جان و تمامی قوت خود محبت نما. (تث ۵: ۶)

نخستین حکم به ما می‌گوید به خدا ایمان داشته و به او امیدوار باشیم و او را فوق از هر چیز دیگری محبت کنیم. همچنین به این معناست که باید خدا را به عنوان یک خدای واحد حقیقی بشناسیم و پرستش صاف و ستایش صادقانه خود را تنها به او تقدیم نماییم. این فریضه‌ای است که باید به طور فردی و جمعی آن را انجام

بدهیم. در عین حال ما از حق آزادی مذهبی برخوردار می‌باشیم چرا که تمام انسان‌ها باید بتوانند "ایمان مذهبی خود را با آزادی در انظار یا در خلوت ابراز کنند." (اصل جزمی ۲۱۳۷. حکم دوم واتیکان در آزادی مذهب).

نخستین حکم هر گونه الحاد، بت‌پرستی، خرافات، غیب‌گویی یا جادوگری را منع می‌کند. همچنین بی‌دینی، بدعت‌گذاری، شک و ناباوری، یا نافرمانی عمدی که نشان از تایید اینها داشته باشد را جایز نمی‌داند. (اصل جزمی ۲۰۸۹)

● حکم دوم

نام یهوه خدای خود را به لاطل مبر

"ای یهوه خدای ما چه مجید است نام تو در تمامی زمین." (مزمور ۱۸۱)

حکم دوم ما را به حفظ حرمت نام خدا متعهد می‌سازد. نام خدا مقدس است (اصل جزمی ۱۲۶۱). همچنین ما را نسبت به حفظ حرمت وعده‌ها و سوگندهایی که بر زبان می‌آوریم نیز ملزم می‌گرداند.

حکم دوم ما را از سوء استفاده کردن از نام خدا باز می‌دارد، به ویژه از کفر گویی، و سوگند دروغ یاد کردن. این حکم شامل ممانعت از هرگونه کاربرد ناشایست اسامی خدا، عیسی مسیح، مریم باکره و سایر قدیسین می‌شود.

● حکم سوم

روز سبت را یاد کن تا آن را تقدیس نمایی.

"روز سبت را نگاه دار و آن را تقدیس نما." (تث ۱۲:۵)

"روز هفتم، سبت آرام و مقدس خداوند است." (خرو ۱۵:۳۱)

واژه سبت به معنای "هفتمین" است. از آنجا که قیام عیسی در "روز هشتم" — اولین روز خلقت جدید که آن را روز خداوند یا یکشنبه می‌نامیم اتفاق افتاد، کلیسا این روز را به عنوان روز فیض و تقدس، جشن می‌گیرد.

حکم سوم ما را متعهد می‌سازد که در روزهای یکشنبه و ایام جشن از طریق پرستش‌های جمعی خدا را تکریم نماییم. برگزاری نماز جماعت مسیحیان، بزرگترین نمود این پرستش است. یکی از احکام کلیسا الزام به حضور وفادارانه در راز سپاسگزاری روزهای یکشنبه و ایام مقدس و تعهدآور می‌باشد.

حکم سوم، بدین معناست که هیچ کار یا فعالیتی نباید مانع از شرکت وفادارانه در پرستش خدا باشد مگر در مواردی که ضرورت ایجاب می‌کند.

”عرف یکشنبه به همگان این امکان را می‌دهد که از استراحت کافی و اوقات فراغت جهت اعتلای زندگی خانوادگی، فرهنگی و اجتماعی برخوردار باشند“ (اصل جزمی ۲۱۹۴).

● حکم چهارم

پدر و مادر خود را احترام نما

”پدر و مادر خود را حرمت دار.“ (تث ۱۶:۵)

در حکم چهارم ”خدا انتظار دارد که پس از او، والدین خود ... و تمام کسانی که خدا — به جهت خیریت ما — بدیشان اقتدار و مسؤولیت واگذار کرده را احترام نماییم“ (اصل جزمی ۲۱۹۷). بنا بر این حکم چهارم بدان معناست که باید به والدین خود احترام بگذاریم و از ایشان و تمام کسانی که حق قانونی بر ما دارند اطاعت کنیم.

”والدین، نخستین افراد مسؤول در قبال تربیت و پرورش فرزندان خود در ایمان، دعا و سایر محاسن و فضائل هستند. آنان موظف می‌باشند که تا حد امکان نیازهای مادی و معنوی فرزندان خود را تامین کنند.“ (اصل جزمی ۲۲۵۲). والدین می‌باید استعدادهای کودکان خود را بشناسند، احترام نمایند و آنها را پرورش بدهند. ایشان باید به یاد داشته باشند و به فرزندان خود نیز آموزش بدهند که اولی‌ترین دعوت مسیحیت، پیروی از عیسی است. (اصل جزمی ۲۲۵۳).

● حکم پنجم

قتل مکن

”جان جمیع زندگان در دست وی است، و روح جمیع افراد بشر.“ (ایوب ۱۰:۱۲)

”حیات هر انسانی، از لحظه شکل‌گیری لقاح تا فرا رسیدن مرگ، مقدس می‌باشد. زیرا خدای زنده و قدوس، انسان را موافق اراده خویش به شباهت خود آفرید.“ (اصل جزمی ۲۳۱۹)

حکم پنجم ما را متعهد می‌سازد که به انسان عشق بورزیم و نوع بشر را دوست داشته و محبت کنیم حتی دشمنان خودمان را. و در جهت بهبودی آسیب‌های جسمی یا معنوی وارده بر همسایه خود تلاش نماییم.

حکم پنجم، ارتکاب قتل، خودکشی، صدمات عمدی، ضرب و شتم، توهین، لعن کردن و هر گونه رفتاری که دیگران را به سوی شرارت سوق دهد منع کرده است. این حکم همچنین اقدام به سقط جنین را ممنوع می‌کند و کلیسا مرتکب این عمل را با اخراج نمودن از جمع خود مجازات می‌نماید. ”قتل ترحمی یا آسان‌کشی در هر نقطه از جهان به هر شکل و با هر انگیزه مصداق قتل نفس است“ (اصل جزمی ۲۳۲۴).

• حکم ششم

زنا مکن

”عشق ورزی وظیفه فطری و جزمی هر انسان است“ (اصل جزمی ۲۳۹۲ کنسرسیوم خانواده).
”خدا با آفریدن انسان به صورت مرد و زن، شأن و مرتبتی برابر بدیشان بخشید. هر یک از آنها – مرد و زن – می‌باید هویت جنسی خود را بشناسند و آن را بپذیرند“ (اصل جزمی ۲۳۹۳). حکم ششم ما را به حفظ قداست حتی در بدن‌های مادی خود و همچنین پاسداشت حرمت خود و دیگران دعوت می‌کند، چرا که ما اعمال دست خدا و معبد روح القدس هستیم. تعهد زناشویی، وفاداری همسر در عشق را مطالبه می‌کند. این تعهد آنان را وادار می‌سازد که پیمان زناشویی خویش را فسخ نپذیر و پایدار نگاه دارند.
حکم ششم هر گونه ناپاکی در رفتار، افکار و نگاه را منع می‌کند. این حکم همچنین کتاب‌ها، تصاویر، و تفریحات غیر اخلاقی را ممنوع می‌داند. در میان گناہانی که به جدیت در تقابل با عفت و پاکدامنی قرار می‌گیرند، استمناء، زنا کردن، روسپیگری، تصاویر مستهجن، و همجنس‌خواهی دیده می‌شوند.

• حکم هفتم

دزدی مکن

”دزدی مکن.“ (خروج ۲۰:۱۵/تثنیه ۱۹:۵)
”دزدان، و طمعکاران ... و ستمگران وارث ملکوت خدا نخواهند شد (اول قرن‌تیان ۱۰:۶)
”حکم هفتم در ارتباط با عمل کردن بر حسب عدالت، صداقت و نوع دوستی در اداره کردن اموال و ماحصل تلاش و زحمت انسان‌هاست“ (اصل جزمی ۲۴۵۱).
”حکم هفتم، دزدی و سرقت را منع می‌کند. دزدی یعنی غصب کردن اموال دیگران که بدون موافقت مالک آنها باشد“ (اصل جزمی ۲۴۵۳).
”هر گونه تصاحب کردن یا استفاده از مایملک دیگران به ناحق و غیر عادلانه در تضاد با حکم هفتم قرار دارد“ (اصل جزمی ۲۴۵۴).
حکم هفتم ما را مکلف می‌سازد که آنچه از اموال دیگران را به ناحق تصرف کرده‌ایم بازپس گردانیم و خسارت وارده را جبران کنیم. همچنین باید بدهی خویش را بپردازیم و کارفرمایان نیز موظف هستند دستمزد عادلانه‌ای به کارگران خود پرداخت کنند.

• حکم هشتم

بر همسایه خود شهادت دروغ مده

”بر همسایه خود شهادت دروغ مده.“ (خروج ۱۶:۲۰)

شاگردان مسیح باید ”انسانیت تازه را که به صورت خدا در عدالت و قدوسیت حقیقی آفریده شده است“
بپوشند (افس ۴:۲۴).

”صداقت و راستگویی، مزیت و شرافتی است که صداقت گفتار و درستی کردار شخص را نشان می‌دهند. و او را از مبادرت کردن به فریبکاری، نیرنگ، تزویر و ریاکاری محافظت می‌کنند“ (اصل جزمی ۲۵۰۵).
حکم هشتم ما را به رعایت صداقت در گفتار یا راستگویی در هر زمان و مکان و مثبت نگریستن به اعمال دیگران فرا می‌خواند.

حکم هشتم هر نوع دروغ‌گویی، تحقیر کردن و افترا زدن در گفتار یا نوع رفتار را منع کرده است.
”دروغ گفتن شامل بیان هر نوع سخن کذب به منظور فریب دادن همسایه خود است.“ (اصل جزمی ۲۵۰۸).
”ارتکاب گناه بر ضد حقیقت و راستی، مستلزم جبران است.“ (اصل جزمی ۲۵۰۹).

• حکم نهم

به زن همسایه‌ات طمع مورز

”هر کس به زنی نظر شهوت اندازد همان دم در دل خود با او زنا کرده است.“ (متی ۲۱:۵).

حکم نهم، مبین خلوص کامل قلبی است.

حکم نهم به ما در قبال تمام خواهش‌های جسمانی و شهوات عنان گسیخته جنسی شدیداً هشدار می‌دهد و هر گونه افکار و نیات ناپاک را منع می‌کند.

”خلوص قلبی، پاکدامنی، و عفت نگاه و نیت در دعا حاصل می‌گردد“ (اصل جزمی ۲۵۳۲).
”پاکی دل، مستلزم حجب و حیا است که خود شامل شکیبایی، رعایت ضوابط اخلاقی، و احتیاط است.
حجب و حیا، اعماق وجود شخص را حفاظت می‌کند“ (اصل جزمی ۲۵۳۳).

• حکم دهم

به اموال همسایه خود طمع مکن.

”هر جا گنج تو است، دل تو نیز در آنجا خواهد بود.“ (متی ۶:۲۱) حکم دهم ما را به رعایت عدالت و پرهیز از افراط در طرح و نیت ارتقا بخشیدن به شرایط خویش و شکیبایی در تحمل مشکلاتی که ناشی از موقعیت کنونی ما می‌باشند دعوت می‌کند. بی‌اعتنایی به ثروت‌های مادی اساس دخول در ملکوت آسمان است.

”حکم دهم، طمع و آزمندی برخاسته از دلبستگی به اغنیا و قدرت ظاهری آنان را منع می‌کند“ (اصل جزمی ۲۵۵۲).

”طمع، عبارتست از حسرت کشیدن در نگاه کردن به اموال دیگران و تمنای زیاده از حد در بدست آوردن آنها برای خود. این گناه بسیار بزرگی است.“ (اصل جزمی ۲۵۵۳).

”شخص تعمید یافته از طریق انجام کارهای نیک و تواضع و واگذار کردن نیازهای خود به خدا به مبارزه با طمع و حسادت می‌پردازد.“ (اصل جزمی ۲۵۵۴).

احکام و فرامین خدا برای تمام انسان‌ها از وجاهت قانونی و اعتبار یکسانی برخوردار هستند. آنها ما را به حفظ حقوق افراد و پاسداشت سلامت جامعه مقید و متعهد می‌کنند.

هر انسانی می‌تواند و باید از طریق آنها هدایت و راهنمایی شود. احکام خدا صرفاً فهرست قوانین و مقرراتی تحمیل شده به انسان از محیط خارج از او نیستند. آنها با طبیعت حقیقی ما همسانی و انطباق داشته و شأن انسانی ما را حرمت می‌گذارند.

آنچه خدا حکم فرموده است، با فیض خود انجام آن را امکان‌پذیر می‌سازد.

اصول اعتقادی کلیسای کاتولیک. ۲۰۸۲

حضرت پولس خطاب به مسیحیان روم نوشت :

مدیون احدی به چیزی مشوید جز به محبت نمودن با یکدیگر زیرا کسی که دیگری را محبت می‌نماید، شریعت را به جا آورده باشد. زیرا که زنا مکن، قتل مکن، دزدی مکن، شهادت دروغ مده، طمع مورز و هر حکمی دیگر که هست همه شامل است در این کلام که همسایه خود را چون خود محبت نما. محبت به همسایه خود بدی نمی‌کند پس محبت تکمیل شریعت است. حضرت پولس : رساله به رومیان ۸:۱۳-۱۰

احکام کلیسا : کلیسا قواعد ، یا احکامی را به ما می‌دهد که ما را در زیستن با یکدیگر به عنوان یک جامعه مسیحی یاری می‌کنند.

۱) شما باید در نماز جماعت روزهای یکشنبه و ایام مقدس تعهدآور شرکت کنید و از انجام کارهای پست خودداری نمایید.

این بدان معناست که باید روز یکشنبه را به عنوان ”روز خداوند“ یاد بود مرگ و قیام عیسی احترام کنیم و در کلیسا حاضر شویم. این روز باید روز آرامی و استراحت و مشارکت با مسیحیان باشد. این حکم به ویژه به شرکت در نماز جماعت تاکید دارد، که محور پرستش کلیسا است.

۲) شما باید دست کم یکبار در سال به گناهان خود اعتراف کنید.

۳) شما باید حد اقل یکبار در ایام عید قیام، راز سپاسگزاری را دریافت کنید. ما باید به طور منظم به اعتراف و دریافت راز سپاسگزاری مبادرت نماییم. اما دست کم سالی یکبار و نزدیک ایام عید قیام (که آن را ”انجام وظایف عید“ می‌نامیم) این اعمال را به جا آوریم. در راز مصالحه، عیسی به ما موهبت آمرزش و فیض یک شروع تازه را اعطا می‌کند. در راز سپاسگزاری، او خود را به تمام کسانی که از آن وی هستند می‌بخشد. هیچ مسیحی نباید چنین مواهبی را از دست بدهد.

تنها آن افرادی که گرفتار گناهان جدی می‌باشند محروم از دریافت راز سپاسگزاری هستند. بنا براین آنان می‌باید هر چه سریعتر به مکان اعتراف به گناهان بروند.

۴) شما باید ایام روزه و امساک را که از جانب کلیسا تعیین شده‌اند رعایت کنید. در این ایام، ما از خوردن گوشت، پرهیز می‌کنیم و روزه مقرر شده را رعایت می‌کنیم. در روز جمعه — روزی که عیسی بر صلیب مرد — باید برخی اعمال مبتنی بر انکار نفس را داوطلبانه انجام بدهیم. او به خاطر محبت خود نسبت به ما مرد، بنا براین ما نیز باید با او متحد شده و همبستگی خویش را به نحوی مشهود ابراز نماییم. به طور مثال، با پرهیز از خوردن گوشت یا برخی دیگر از انواع خوراکی‌ها، نوشیدنی‌ها، تفریحات و یا کمک کردن به دیگران با روح مشارکت مسیحی.

۵) شما باید در رفع احتیاجات نیازمندان کلیسا شرکت کنید. ما باید عملاً از کلیسا حمایت کنیم، چه از کلیسای جهانی کاتولیک و چه از کلیسای محلی یا منطقه تحت نظارت اسقف خود. این نه تنها به معنای نادیده انگاشتن ضعف دیگران نیست بلکه بعکس شامل کمک کردن صادقانه در هر موردی است که می‌توانیم کاری انجام بدهیم. همچنین به این معناست که بگذاریم دیگران نیز در زمان احتیاج و نیاز به یاری ما بشتابند.

۱۶-۴ “مرا متابعت نما”

مرد جوان در انجیل، پاسخ عیسی را شنید: به منظور انجام کار نیک باید احکام خدا را نگاه داریم. در واقع همان طور که گفته بود این آرمان اخلاقی را از “طفولیت” خود مجدانه نگاه داشته بود (مر ۱۰:۲۰). اما هنوز احساس می‌کرد که با هدف غایی خود بسیار فاصله دارد.

رو در رو با عیسی، مرد جوان پی برد که هنوز چیزی را کم دارد. او درک می‌کند که اگر به صرف تفسیر قانونمند احکام زنده خدا بسنده کند نمی‌تواند به آن اوج کاملیتی که آرزویش را دارد دست یابد. و در اینجا بود که عیسی او را به قدم نهادن در مسیر کاملیت دعوت می‌کند:

اگر بخواهی کامل شوی، رفته مایملک خود را بفروش و به فقرا بده که در آسمان گنجی خواهی داشت و آمده مرا متابعت نما.

انجیل حضرت متی ۲۱:۱۹

پیروی و متابعت از عیسی به معنای عمل کردن به مفاد موعظه سر کوه است (متی ۵-۷). تعلیمی که ما را مستقیماً به ده فرمان باز می‌گرداند (متی ۵: ۲۰-۴۸). این تعلیم با اعلام خوشبحال‌ها آغاز می‌شود. در اینجا عیسی به ما نشان می‌دهد که فرامین دهگانه به طور مستقیم راه به سوی کمال خوشبحال‌ها می‌گشایند. آنها شامل وعده‌هایی هستند. اما در عین حال شاخص‌هایی هستند برای تمام کسانی که آرزومند زندگی راستین اخلاقی می‌باشند. “آنها یک نوع تصویر هستند که مسیح از خود نشان می‌دهد، و درست به همین علت محرکی برای شاگرد ساختن و متحد شدن با مسیح می‌باشند.” (*John Paul II veritatis Splendor*).

بسیاری از مردم می‌گویند: شما می‌توانید مسیحیان را از طریق محبت آنان نسبت به سایرین بشناسید. و از همین طریق — یعنی محبت نمودن به سایر انسان‌هاست که عیسی میزان محبت پیروانش را می‌سنجد. او می‌گوید: "همسایه خود را محبت نما" — اما همچنین می‌فرماید "آنگونه که خودت را محبت می‌کنی، همسایه‌ات را محبت نما." بنا براین ما می‌توانیم بگوییم، یک مسیحی واقعی کسی است که با دیگران همانطور رفتار می‌کند که با خودش. پس نباید چنین تصور کنیم که اگر به شخص فقیری کمک مالی کردیم و سپس به راه خود ادامه دادیم به خود ببالیم که "کار نیکو" انجام داده و "احکام" را نگاه داشته‌ایم. بلکه باید بدانیم که هیچ تمایزی نمی‌توانیم قائل شویم چرا که هر شخص دیگری درست به اندازه خودمان ارزشمند است.

ما بیشتر از صحبت در مورد محبت کردن خود، علاقه داریم از محبت کردن به دیگران سخن بگوییم، حتی با وجودی که بر طبق فرمایش عیسی، محبت کردن به خود شرط لازم و معیار سنجش محبت ما نسبت به همسایه است. محبت کردن به خود از درک این حقیقت که من، با تمام ویژگی‌ها و عیوب خود، موفقیت‌ها و شکست‌های خویش، به عنوان یک دختر یا پسر در میان خیل بی‌شمار مردمان، وجودی ارزشمند و شایسته محبت هستم آغاز می‌شود. این درکی کاملاً درست است. خدا مرا با تمام آنچه که از من وجودی منحصر بفرد و متمایز ساخته است می‌خواهد. از آنجا که خدا مرا همینطور که هستم دوست می‌دارد و محبت می‌کند، من می‌توانم زندگی کنم، بدون رشک بردن به دیگران — سپاس و ستایش بر خدا.

من خودم را قبول دارم، استعدادها و قابلیت‌هایم را کشف می‌کنم، و سعی دارم با تکیه بر فیض خدا بر نقایص خود غلبه کنم. زمانی که دیگران مرا تحسین می‌کنند می‌توانم خشنود باشم، و همزمان از انتقادات و توبیخ‌ها درس بگیرم. به طور خلاصه، من می‌توانم با محبتی متواضعانه و به دور از تکبر، که از نگاه پر محبت خدا بر من سرچشمه می‌گیرد خویشتن را دوست داشته باشم. یک حس احترام نسبت به خود بر پایه اطمینان به این حقیقت که خدا هرگز مرا رها نخواهد کرد.

یکی از حکمای اسرائیل به معاصرین خود چنین هشدار می‌دهد:

کسی که با سختگیری و در مضیقه قرار دادن خود، مال اندوزی می‌کند، برای دیگران ذخیره می‌سازد. و دیگران با ثروت او چون اشراف زندگی خواهند کرد.

اگر یک مرد برای خودش خسیس و تنگ نظر باشد برای چه کسی مفید خواهد بود؟

او حتی از آنچه در تملک خود دارد نمی‌تواند لذت ببرد.

هیچکس حقیرتر از فردی نیست که نسبت به خود تنگ نظر و خسیس باشد.

سیراخ ۱۴:۴-۶

اما شخصی که خود را شناخته و یافته است، اکنون می‌تواند به دیگران ملحق شود بی آنکه هراسی داشته باشد که شاید دیگران از او بهره‌کشی نمایند. کسی که ارزش خود را شناخته و خویشتن را پذیرفته است، میتواند ارزش سایرین را نیز بشناسد و آنان را ببذیرد.

ای خداوند مرا آزموده و شناخته‌ای
تو نشستن و برخاستن مرا می‌دانی
و فکرهای مرا از دور فهمیده‌ای
راه و خوابگاه مرا تفتیش کرده‌ای
و همه طریق‌های مرا دانسته‌ای.

مزمور ۱۳۹: ۱-۳

تأمین احتیاجات دیگران

حضرت لوقا گفتگوی میان عیسی و یکی از فقهای یهود را که می‌خواست بداند محبت کردن به همسایه چه معنایی دارد، روایت کرده است. او از عیسی سوال می‌کند: "همسایه من کیست؟" عیسی با ذکر داستان سامری نیکو پاسخ پرسش او را می‌دهد (لوقا ۱۰: ۳۰-۳۷). مردی از اریحا به سوی اورشلیم در حرکت بود. راهزنان در راه به او حمله کردند و بعد از مجروح ساختن وی اموالش را به سرقت برده و او را با همان حال نیمه جان رها کردند. یک کاهن — مردی که همه چیز را در باره احکام خدا می‌دانست — از آن مسیر می‌گذشت. او مرد مجروح را دید اما توقف نکرد. سپس یک لاوی — مردی که حرفه او دانستن شریعت خدا بود — از راه رسید. او نیز متوجه آن مرد شد اما به راه خود ادامه داد. سرانجام مردی از اهالی سامره که از آن مسیر عبور می‌کرد نزدیک شد. او مردی بود که یهودیان متدین، از وی اجتناب می‌کردند چرا که اعتقاد داشتند سامریان خدا را به روش صحیح پرستش نمی‌کنند. مرد سامری به آن مجروح نگاه کرد و دلش به رحم آمد. پس به سوی او رفت، زخم‌هایش را بست، او را بر مرکب خود سوار کرد و به یک کاروانسرا رسانید و هزینه مراقبت و پرستاری از او را پرداخت کرد.

آنگاه عیسی به طرف فقیه یهودی برگشت و سوال کرد: حال تو به من بگو کدامیک از این سه نفر با شخص مجروح همسایه بود؟

آن فقیه متوجه شد و سر خود را تکان داد. آنچه عیسی به وضوح بیان داشت، بسیار بیشتر از آن چیزی بود که عالم یهودی قبلاً تصور می‌کرد. او فهمید که: من باید خود را همسایه همه انسان‌ها بدانم. نه فقط کسانی که ایشان را دوست دارم، یا خویشان و آشنایان من هستند، بلکه همگان حتی غربا و بیگانگان را، و نیز کسانی که ایمان و اعتقادی سوای من دارند ...

در یک موقعیت دیگر، عیسی می‌فرماید: "شنیده‌اید که گفته شده است همسایه خود را محبت نما و با دشمن خود عداوت کن. اما من به شما می‌گویم که دشمنان خود را محبت نمایید و برای لعن کنندگان خود برکت بطلبید و به هر که به شما فحش دهد و جفا رساند دعای خیر کنید. تا پدر خود را که در آسمان است پسران شوید" (متی ۵: ۴۳-۴۵). بنا براین هر شخصی را که می‌بینم می‌تواند همسایه من باشد، و باید همسایه هر شخصی باشم که به من نیاز دارد. احتیاج به کمک دیگران به من می‌گوید که باید چه کار کنم. اگر کسی بپرسد که تا کجا باید برای کمک کردن پیش بروم، یک قانون ساده به عنوان پاسخ وجود دارد: من، خودم

معیار و ملاک هستم. اگر من به یک محتاج همان اندازه کمک کنم که در صورت نیاز خودم انتظار دارم از دیگران دریافت کنم، حکم عیسی را انجام داده‌ام.

او برادر توست، به او خیانت مکن

او را فریب مده

با او بدرفتاری مکن

او را سرزنش منما

او را آزرده خاطر مکن

او را نادیده مگیر

فقط محبتش کن

او خواهر توست، حرمتش را نگاه دار

حمایتش کن

او را بپذیر

به گرمی استقبالش کن

به سخنانش گوش بده

فقط محبتش کن

عیسی به ما می‌فرماید: "همسایه خود را محبت نما". و این صرفاً شامل برطرف کردن نیاز مادی نیست بلکه همچنین به معنای توجه کردن به شخصی است که شاید امید و اعتماد به نفس خود را از دست داده است. کسی که شاید از خودش متنفر باشد، و به پایان تحملش رسیده است. به او بگویید: من می‌دانم خدا تو را دوست دارد چون تو برای خدا ارزش داری. تو نیز دلایل زیادی داری که خودت را دوست داشته و محبت نمایی.

در کتاب طوبیت عبارتی وجود دارد که ما آن را "قانون طلایی" می‌نامیم. آن عبارت این چنین است: "آنچه را که خود نفرت داری در حق دیگری انجام مده" (طوبیت ۴:۱۵). حضرت متی جلوه مثبت این عبارت را از قول خداوند ما در موعظه سر کوه نقل می‌کند: "آنچه خواهید که مردم به شما کنند شما نیز بدیشان همچنان کنید" (متی ۷:۱۲). افزون بر این، چنان که عیسی شرح می‌دهد، ما چهره خود را در صورت برادران خود می‌بینیم، از این رو باید با ایشان همان طور رفتار کنیم که عیسی رفتار کرد، و ایشان همانگونه محبت کنیم که عیسی ما را محبت نمود: "هر آینه به شما می‌گویم آنچه به یکی از این برادران کوچکتر من کردید به من کرده- اید" (متی ۲۵:۴۰). و همچنین: "این است حکم من که یکدیگر را محبت نمایید همچنان که شما را محبت نمودم" (یوحنا ۱۵:۱۲). ما او را محبت می‌نماییم زیرا که او اول ما را محبت نمود. اگر کسی گوید که خدا را محبت می‌نمایم و از برادر خود نفرت کند دروغ‌گوست زیرا کسی که برادری را که دیده است محبت ننماید

چگونه ممکن است خدایی را که ندیده است محبت نماید؟ و این حکم را از وی یافتیم که هر که خدا را محبت می‌نماید برادر خود را نیز محبت می‌نماید.
رساله اول حضرت یوحنا ۴: ۱۹-۲۱

۱۶-۵ رشد در فیض — فضایل

حکم محبت زیربنای تمام احکام است، و ما را قادر می‌سازد که مستقیماً از عیسی در تمام ابعاد زندگی خود سرمشق بگیریم. مع هذا، این حقیقت را باید در نظر داشت که به قوت انسانی خود نمی‌توانیم به این هدف دست یابیم. این مسیر رشد است که پیمودن آن بدون فیض خدا ممکن نیست.
به عنوان مسیحیان، ما می‌توانیم قدرت فیض — نیرویی که روز به روز ما را متحول می‌کند و قادر می‌سازد تا وظیفه خود را نسبت به مسیح به طور راستین انجام بدهیم — را از طریق عمل روح القدس دریافت کنیم. منظور از "فضایل" آن چیزهایی هستند که امکان رشد ما را فراهم می‌سازند.

فضایل

کسی که سالها وقت صرف فراگیری هنر نواختن یک آلت موسیقی کرده است، بدون شک با مشکلات متعددی در شروع کار مواجه بوده است. او باید سخت تلاش کرده باشد اما اکنون که می‌تواند به سادگی، با مهارت و چنان خوش آهنگ بنوازد که برای خودش و دیگران دلنشین است، بهای پرداخت شده به نظرش ناچیز می‌آید. این تصویر به ما کمک می‌کند که چیزهایی در مورد فضایل را درک کنیم.

"فضیلت، یک تمایل عادی و عزم محکم برای انجام کار نیک است. این عامل نه تنها امکان به انجام رسانیدن اعمال نیک را به شخص می‌دهد بلکه همچنین بهترین‌های او را در اختیارش می‌گذارد. فضایل انسانی با تمام نیروی حسی و روحانی به سوی نیکویی گرایش دارند. شخص با فضیلت نیکویی کردن را رها نمی‌کند و آن را با اعمال هماهنگ انجام می‌دهد" (اصل جزمی ۱۸۰۳).

فردی که به انجام اعمال نیک اهتمام دارد بیشتر و بیشتر آن را به جا می‌آورد. فضایل در وجودش ریشه می‌کنند و شکوفا می‌شوند. سپس برای او عدالت، درستکاری، خلوص و شرافت روشی ساده‌تر خواهد بود...

هر چه راست باشد، و هر چه مجید و هر چه عادل و هر چه پاک و هر چه جمیل و هر چه نیک نام است و هر فضیلت و هر مدحی که بوده باشد در آنها تفکر کنید.

رساله حضرت پولس به فیلیپیان ۴: ۸

فضایل و فیض

برای ما انسان‌های زخم خورده از گناه، پیشروی در یک زندگی مبتنی بر فضایل، ساده نیست. مسیح آن فیضی را که برای استقامت داشتن در تلاش جهت کسب فضایل نیاز داریم به ما می‌دهد. از طریق دعا و شرکت

مداوم در رازهای مقدس می‌توانیم فیض روشنایی و قوت را بدست آوریم. باید از روح القدس بخواهیم که ما را اعانت کند و در پیروی از آنچه که ما را فرا می‌خواند — یعنی دوست داشتن آنچه نیک است و اجتناب از پلیدی و شرارت — یاری‌مان دهد.

و بنا براین، "فضایل انسانی اکتسابی هستند. آنها به واسطه آموزش، عمل آگاهانه، و مداومت در تلاش بدست می‌آید و تهذیب می‌شود و با فیض الهی رشد می‌کنند. به کمک خدا، به شخصیت ما ثبات می‌بخشند و امکان عمل به نیکویی را به ما می‌دهند. فردی که صاحب فضیلت است از به کار بردن آن احساس شادمانی می‌کند" (اصل جزمی ۱۸۱۰).

فضایل الهیاتی — ایمان، امید و محبت

حضرت پولس در توصیف محبت می‌فرماید: "محبت کمر بند کمال" است (کولسیان ۱۴:۳). به عبارت دیگر محبت، الهام بخش و برانگیزاننده تمام فعالیت‌های ما به عنوان انسان، و به عنوان مسیحی است. محبت، به قابلیت‌های انسانی ما اعتلا می‌بخشد و ما را رشد می‌دهد تا جایی که بتوانیم مانند خدا محبت کنیم. محبت غیر قابل تفکیک از ایمان و امید است. این سه در کنار یکدیگر به نام فضایل الهیاتی شهرت دارند چرا که به طور مستقیم با خدا در ارتباط می‌باشند. آنها "القا شده از جانب خدا به جان‌های وفادار هستند، تا ایشان را شایسته عمل کردن به عنوان فرزندان خدا گردانند" (اصل جزمی ۱۸۱۳). آنها به ما این امکان را می‌دهند که در ارتباط با تثلیث اقدس و اخلاقیات بنیادین مسیحی خود زندگی کنیم. اگر ما بر حسب فضایل الهیاتی زیست نماییم، در آن صورت به روح القدس این امکان را داده‌ایم که در ما ساکن شده و عمل نماید. فضایل الهیاتی، محسناتی مافوق طبیعی هستند که از جانب خدا در جان‌های ما دمیده شده‌اند: به واسطه ایمان، به خدا و هر آنچه بر ما مکشوف کرده است و آنچه کلیسای مقدس برای باور ما در نظر دارد اعتقاد داریم (اصل جزمی ۱۸۴۲).

به واسطه امید، ما آرزومندیم و با اعتمادی جنبش ناپذیر منتظر دریافت آن حیات جاودانی که خدا وعده فرموده و آن فیضی که ما را شایسته آن می‌سازد، هستیم (اصل جزمی ۱۸۴۳).

به واسطه محبت، خدا را فوق از هر چیز دیگری محبت می‌کنیم و همسایه خود را به خاطر محبت خدا، محبت می‌نماییم (اصل جزمی ۱۸۴۴).

خدا را محبت کن همان اندازه که خود را محبت می‌کنی
و دیگران را محبت نما، همانطور که خدا آنان را محبت می‌کند

به خدا ایمان داشته باش
او را بشناس چنانکه خود را می‌شناسی

حتی اگر تنها یک ایمان مبهم داشته باشی
چرا که خدا همواره اسرارآمیز است

به مشارکت کامل با خدا امیدوار باش
آنگاه پس از مرگ، او را چنان که هست خواهیم دید
و مانند او خواهیم بود.

احکام و محبت

حضرت پولس در رساله به رومیان می‌فرماید "محبت تکمیل شریعت است" (رومیان ۱۰:۱۳). و در حقیقت "پایه ده فرمان بر محبت خدا و محبت همسایه نهاده شده است. سه حکم اول به محبت نسبت به خدا ارتباط دارند و هفت حکم بعدی، به محبت نسبت به همسایه" (اصل جزمی ۲۰۶۷). مسیحی کسی است که اجازه می‌دهد محبت خدا تا اعماق وجودش نفوذ کرده و او را متحول گرداند. آنگاه خدا می‌تواند توسط او آزادانه عمل کند و محبت خویش را جاری سازد. بنابراین "او دیگر چون بنده‌ای در ترس برده وار و یا چون مزدوری چشم انتظار دریافت مزد خود به حضور خدا نمی‌ایستد، بلکه همچون پسر به محبت او پاسخ می‌دهد چون او ابتدا ما را محبت کرد" (اصل جزمی ۱۸۲۸). اگر ما می‌توانیم مطابق احکام زندگی کنیم، به این دلیل است که "محبت خدا در دل‌های ما به واسطه روح‌القدس ریخته شده است" (رومیان ۵:۵).

"ای خداوند، من می‌دانم که تو هیچگاه چیزی ناممکن را حکم نمی‌کنی. تو بسیار بهتر از من ضعیف‌ها و نقایص مرا می‌شناسی. تو به خوبی آگاهی که من هرگز نمی‌توانستم خواهرانم را آنگونه که تو دوستشان داری محبت کنم، اگر تو ای عیسای من، محبت ایشان را در وجودم نمی‌گذاشتی. این از آن سبب بود که تو مایل بودی آن فیضی را به من عطا فرمایی که عهد جدید را بر آن بنیان گذاشتی. آه! چقدر آن را دوست می‌دارم چون به من اطمینان می‌دهد که اراده و خواست تو این است که در من محبت کنی به تمام آنانی که مرا حکم به محبت نمودن ایشان کردی! ... آری، هنگامی که من خیر خواه و نیکو کار هستم، احساس می‌کنم عیسی در من عمل می‌کند، آنگاه هر چه بیشتر با او متحد می‌شوم، همچنین بیشتر تمامی خواهرانم را محبت می‌کنم."

(C. Folio 12)

عطایای روح‌القدس

همراه با فضایل الهیاتی، عطایای روح‌القدس بخش مکمل فیض دریافت شده در زمان تعمید هستند. هفت عطایای روح‌القدس عبارتند از حکمت، درک و فهم، مشورت و راهنمایی، بردباری، معرفت، دینداری، خدا ترسی. این عطایا "گرایش و تمایلی پیوسته هستند که شخص را مطیع فرامین روح‌القدس می‌کنند" (اصل جزمی ۱۸۳۰). حضور آنها منبع اطمینانی بس عظیم است، چرا در آنها به مفهوم دریافت کمک روزانه از خدا پی می‌بریم. پس می‌توانیم مطابق خواست او عمل کرده و محبت نماییم. سپاس به خاطر تمام آنها چون روح‌القدس از

این طریق ما را به سوی کامل شدن فضایل در تمام اعمالمان به عنوان مسیحیان، هدایت می‌فرماید. این عطایا ارتباط تنگاتنگی با محبت و مهربانی دارند، از این رو، هر چه بیشتر در محبت آسمانی رشد کنیم، روح‌القدس بیشتر این امکان را خواهد داشت که این عطایا را جهت هدایت

ما به سمت آنچه خدا برای ما — و از طریق ما برای دیگران در نظر دارد به کار ببرد. این نکته ما را قادر می‌سازد که اندرز قدیس یوحنا صلیب را درک کنیم که گفت عمل کردن بر مبنای محبت و خیر خواهی والاترین اهمیت را دارد.

ثمرات روح باید در شخصیت و زندگی یک مسیحی آشکار و عیان باشند. آنها "به عنوان نخستین ثمرات جلال جاودانی، کمال مطلوب شکل‌گیری روح‌القدس در وجود ما هستند. در سنت کلیسا به دوازده مورد از آنها اشاره شده است: محبت، خوشی، سلامتی، حلم، نیکویی، مهربانی، سخاوتمندی، تواضع، وفاداری، پرهیزکاری، خویشنداری و پاکدامنی." (اصل جزمی ۱۸۳۲).

زیرا همه کسانی که از روح خدا هدایت می‌شوند ایشان پسران خدایند ... و هر گاه فرزندانیم وارثان هم هستیم یعنی ورثه خدا و هم ارث با مسیح.

رومیان ۸:۱۴-۱۷

📖 "من می‌خواهم خدا را ببینم."

با این فریاد قدیس ترزا اهل آویلا، اصول اعتقادی کلیسای کاتولیک، بخش اخلاقیات یا زندگی در روح را تشریح کرد. در واقع، اشتیاق برای دست یافتن به شادمانی راستین، کمال خود را در رویاها و برکات الهی می‌یابد. "کسی که خدا را می‌بیند، تمام نیکویی و خوبی‌هایی را که می‌تواند تصور کند بدست آورده است." (گریگور قدیس اهل نیسیا).

این امید، ما را از دل‌بستگی وافر به اموال این دنیا می‌رهاند و به تلاش در سخاوتمندی ترغیب می‌کند تا به مدد فیض خدا بر امیال و هوس‌های خود لگام بزیم و بر فریب و نیرنگ قدرت و لذت دنیا غلبه کنیم. با تواضع، بردباری، استقامت داشتن، و زنده نگاه داشتن کار روح‌القدس در خویشتن، می‌توانیم گام به گام در مسیر مشارکت کامل با خدا و خدمت محبت‌آمیز به هم‌نوع خود پیشرفت کنیم. بدون نیاز به شریعتی دیگر جز شریعت محبت بر طبق تعالیم انجیل مقدس، و در کنار تمام کسانی که تعهدی مشابه دارند، سرانجام در روز آخر می‌توانیم سخنان عیسی، آن پادشاه جلال را بشنویم که خطاب به ما می‌فرماید:

بباید ای برکت یافتگان از پدر من ... به شادی خداوند خود داخل شو ...

تا جایی که من می‌باشم شما نیز باشید. (متی ۲۵:۲۵ و ۲۱ / یوحنا ۱۴:۳).

بخش چهارم

دعا در زندگی مسیحی

دعای مسیحی

۱۷- دعا — ملاقات با خدا

۱۷-۱ دعا در عهد عتیق

در سرتاسر کتاب مقدس شاهد گفتگوی خدا با انسان هستیم. این خداست که ابتکار عمل را به دست دارد: “کجا هستی؟” این پرسش خدا از آدم بود که خویشتن را بعد از گناه، پنهان کرده بود (پیدایش ۳:۹). این خداست که ابراهیم را دعوت می‌کند و به او ماموریت می‌دهد و وی را برکت می‌بخشد (پیدایش ۱۲:۱-۳). ابراهیم به دعوت خدا لبیک می‌گوید، او می‌آموزد که به عمق راز و نقشه خدا توجه کند. با وجود آزمایشی که طی آن ایمان او به منصفه ظهور رسید، وی به وفاداری خدا اعتماد می‌کند.

در مورد موسی، داود، ایلیا، ایشع و تمام انبیا همین امر صادق است. آنها وارد مشارکتی بسیار صمیمانه با خدایی می‌شوند که از ایشان حمایت می‌کند و “رو در رو” سخن می‌گوید (خروج ۳۳:۱۱). آنها در حضور خدا می‌ایستند، در عظمت شکوه و قدرت وی و رحمت بی‌پایان او نسبت به قومش تعمق می‌کنند. آنان به طور خستگی ناپذیر برای مردم خود شفاعت می‌کنند و ایشان را از آنچه در حضور خدا شنیده و دیده‌اند مطلع می‌سازند.

در ملاقات “رو در رو” با خدا، انبیا نور و قدرت لازم برای انجام ماموریت خویش را دریافت می‌کنند. دعای آنان به منظور فرار از این دنیای عهد شکن و غیر قابل اعتماد نیست، بلکه ناشی از حس توجه و مراقبت از دنیای خداست. در برخی مواقع دعاهای ایشان با مشاجره یا شکواییه همراه است، اما همیشه با شفاعت، منتظر و آماده مداخله خدای نجات‌بخش، خداوند تاریخ هستند.

اصول اعتقادی کلیسای کاتولیک. اصل جزمی ۲۵۸۴

داود و سایر مردان دعا در عهد عتیق مزامیری را که تحت الهام خدا سرودند، برای ما به یادگار گذاشتند که می‌توانند موجب اعتلای دعاهای مومنین چه به صورت انفرادی و چه در زمان نیایش‌های جمعی باشند. با بازگویی اعمال عجیب خدا در گذشته، این امید در وجودشان شعله می‌کشید که خدا وعده‌هایش را متحقق خواهد ساخت. در این مزامیر، ما شاهد پر شورترین تجلی احساسات انسانی هستیم — شادی و اندوه، شکرگزاری و درخواست، تعمق و تعهد، اطمینان و اعتراض، شکیبایی و خشم، و ... لیکن همه چیز آکنده از روح ستایش و سپاسگزاری است، حتی در ایام بی‌عدالتی و رنج که خود عامل برکت خدا در روح امید هستند. به مرور زمان، مزامیر بخشی از مراسم عبادی یهودیان شد. هنگامی عیسی در ستایش و استمداد جستن از

پدرش، مزامیر را به کار برد، ابعادی جدید به آن بخشید. بنا براین کلیسا مزامیر از عیسی دریافت کرده است، نه صرفاً از قوم یهود.

۱۷-۲ دعای عیسی

جذبه دعا کاملاً در کلمه‌ای که مجسم و در میان ما ساکن شد بر ما آشکار شده است. برای درک دعاهای او، آنچه شاهدانش در انجیل اعلام کرده‌اند، در دسترس ما است. برای تقرب جستن به عیسی خداوند قدوس، باید همان گونه پیش رویم که موسی به بوته مشتعل نزدیک شد: ابتدا در باره او تفکر کنیم، سپس گوش دهیم که چگونه دعا کردن را به ما تعلیم می‌دهد تا بدانیم او چگونه دعاهای ما را می‌شنود.

اصول اعتقادی کلیسای کاتولیک. اصل جزمی ۲۵۹۸

عیسی تمام دعاهای یهودیان را می‌دانست. او در جامعه مومنین یهود، خدا را تمجید و سپاس می‌گفت و به حضور او دعا می‌کرد. در ایام سبت همراه شاگردانش در مراسم عبادی کنیسه‌ها شرکت داشت و به هنگام تناول غذا مزامیر داود را با ایشان می‌سرود. او اغلب مدتی طولانی را در دعا به سر می‌برد. به تنهایی. یکبار شاگردانش صبح زود پیش از دمیدن فجر، او را در مکانی خلوت مشغول دعا یافتند (مرقس ۱: ۳۵). در موقعیتی دیگر شاگردان خود را با قایق به کناره دیگر دریاچه فرستاد و خود بر فراز کوهی برآمد تا در خلوت دعا کند (مرقس ۶: ۴۶). در کوه تبدیل هیأت (مرقس ۹: ۲-۱۰) و در باغ جتسیمانی (مرقس ۱۴: ۳۲-۴۲) می‌بینیم که او آنجاست، به تنهایی در حضور پدر، و به دعا مشغول است. در این دعاهاست که نور و روشنایی بر جنبه فرزندی او می‌تابد چون او پسر محبوب و یگانه است. در اینجا آن "تازگی دعا" که عیسی به‌همراه آورد، شروع به آشکار شدن می‌کند: "دعای فرزندی او — که خدا از تمام فرزندان انتظار دارد — در نهایت می‌بایست توسط پسر یگانه او در انسانیتش متحقق می‌شد، با انسان و برای انسان" (اصل جزمی ۲۵۹۹).

اناجیل به ما نشان می‌دهند که دعای عیسی، در مقام شکرگزاری پدر، ماحصل عملکرد روح القدس است: "ای پدر مالک آسمان و زمین، تو را سپاس می‌کنم که این امور را از دانایان و خردمندان مخفی داشتی و بر کودکان مکشوف ساختی" (لوقا ۱۰: ۲). گاه دعای او با درخواست همراه است: "لیکن من برای تو دعا کردم تا ایمانت تلف نشود" (لوقا ۲۲: ۳۲). و گاه با بیان اعتماد کامل خود: "و من می‌دانستم که همیشه سخن مرا می‌شنوی" (یوحنا ۱۱: ۴۲). حتی در واپسین لحظات بر اعتماد خود به پدر تأکیدی مجدد دارد: "پا... نه به خواهش من بلکه به اراده تو" (مر ۱۴: ۳۶)، و "ای پدر به دستهای تو روح خود را می‌سپارم." (لوقا ۲۳: ۴۶). آخرین دعای او "فریاد بلند" است که طی آن روح خود را تسلیم می‌کند (مرقس ۱۵: ۳۷ یوحنا ۱۹: ۳۰).

در تمامی دوره‌ها، تمامی مشکلات انسانی که در بند گناه و مرگ است، تمامی استغاثه‌ها و شفاعت‌های تاریخ نجات، در فریاد آن کلمه مجسم خلاصه شده است. و در اینجا، پدر همه این دعاها را می‌پذیرد، و در فراسوی هر امیدی، با زنده کردن پسرش، به آنها پاسخ می‌گوید.

اصول اعتقادی کلیسای کاتولیک، اصل جزمی ۲۶۰۶

چگونه عیسی خدمت خود را متوقف ساخت تا خویشتن را وقف دعا کند؟ چرا دعا اهمیتی چنین حیاتی و سرنوشت ساز دارد؟ به چه دلیل سرگرم بودن به امور خانواده و مشغولیت‌های کاری برای مجاهدت و تلاش در راه صلح و عدالت کافی نیست؟

زندگی را نمی‌توان به کار و کارآیی محدود ساخت. تفکر و اندیشیدن، دوستی و رفاقت، استراحت و عبادت نیز برنامه زندگی هستند. در دعا، انسان خود را در مکان اتکا و وابستگی کامل و آشکار به خدا و بازتابانیدن محبت او قرار می‌دهد. او خدا را به خاطر تمامی مواهب و نعماتی که دریافت داشته سپاس می‌گوید و چشم به راه اجابت خواسته‌های خویش است. در سطحی عمیق‌تر، فرد مسیحی کاملاً خود را در ارتباط فرزندی با خدا از طریق عیسی قرار می‌دهد. در این راستا او حقایق بنیادین ایمان، امید و محبت را به طریقی که منطبق با شرایط، غم‌ها و شادی‌های شخصی و گروهی بیان می‌کند.

در عهد جدید، دعا ارتباطی زنده میان فرزندان خدا با پدرشان می‌باشد، پدری که نیکویی او غیر قابل سنجش است؛ و نیز ارتباطی است با پسر او عیسی مسیح، و با روح القدس... ابعاد این دعا همان ابعاد محبت عیسی مسیح است.

اصول اعتقادی کلیسای کاتولیک. اصل جزمی ۲۵۶۵

ارتباط زمانی زنده و پویا است که منظم و مداوم باشد. از همین رو، فرزند خدا هر روز بخشی از وقت خود را به پدر اختصاص می‌دهد و در هر زمان ممکن، چه تنها و چه در جمع خانواده و چه در کلیسا بی صبرانه مشتاق بازگشت مجدد به حضور اوست.

همواره به عیسی که یگانه واسطه است تکیه کنید. قدیسین نیز می‌توانند مددکار شما بوده و دعایتان را دریافت کنند. آنها همه چیز خود را وقف خدا کرده و تنها برای او زندگی کرده‌اند. بنا براین ایجاد ارتباط صحیح با قدیسین به هیچ وجه مانعی میان شما و خدا ایجاد نمی‌کند. ما به همراه خیل عظیم قدیسین خدا را سپاس می‌گوییم و با او شفاعت می‌کنیم. زندگی نمونه و نوشته‌های قدیسین به ما چگونگی دعا کردن را می‌آموزند. ما می‌توانیم خطاب به آنها دعا کنیم و با ایشان گفتگو نماییم زیرا آنها یاوران با محبت و صمیمی ما هستند و غم‌ها و شادی‌ها، درخواست‌ها و سپاس‌های ما را به حضور خدا می‌آورند.

در میان تمام قدیسین، مریم ملکه مقدسین، نقش خود را به عنوان مادر کلیسا ایفا می‌کند. همان طور که در روایت قنای جلیل می‌بینیم، او به نیازهای ما توجه دارد، آنها را به حضور عیسی می‌آورد و به ما تعلیم می‌دهد که آنچه را که عیسی به ما می‌گوید به جا آوریم (یوحنا ۲: ۱-۱۱). در بین تمامی دعاهای موجود خطاب به بانوی مقدس ما، کلیسا بیش از همه به دعای سلام مریم (Ave Maria) عشق می‌ورزد. در زمان قرائت این دعا، ما سخنان جبرئیل فرشته را در لحظه ملاقات و اعلام خبر به مریم تکرار می‌کنیم و خود را به شفاعت مادرانه او می‌سپاریم. هر روز در نماز شامگاهی، شمار کثیری از مسیحیان سراسر جهان سرود مانیفیکات یا تمجید را از

حفظ می‌خوانند، سرود مسکینی که همراه مریم در رحمت خدا به واسطه آمدن خداوند عیسی مسیح احاطه شده‌اند.

شورای دوم واتیکان به ما می‌گوید :

تمام مناجات و دعاهای مومنین به حضور مادر خدا و مادر تمام انسان‌ها ریخته می‌شود. او که با دعاهایش آغازگر کلیسا بود، اکنون در مقامی بس رفیع و عالی برتر از تمام فرشتگان و قدیسیں قرار دارد و در جمع مقدسان به حضور پسرش برای تمام خانواده بشری، چه آنان که افتخار عنوان مسیحی را یافته‌اند و چه آنان که هنوز نجات دهنده ما را نمی‌شناسند، شفاعت می‌کند تا همگان به شادمانی با یکدیگر در صلح و سازش به عنوان یک قوم برای خدا گرد آیند، برای جلال قدوس بی‌همتا و تثلیث واحد.

اسناد واتیکان دوم - "نور امت‌ها"

۱۷-۴ اشکال دعا

دعاهای مسیحیان به چندین شکل متفاوت بیان می‌شوند. در حمد و ثنا ما به حضور خدای تثلیث مقدس متواضع می‌شویم و او را به عنوان پادشاه جلال و خالق خود تصدیق می‌کنیم. در سپاس، او را به خاطر وجودش و آنچه که برای ما انجام می‌دهد سپاس می‌گوییم چون او هست. با دعای استغاثه خود را مهبیای دریافت نعماتی می‌کنیم که خدا مشتاق است آنها را در رحمت خود به ما ارزانی فرماید، نظیر آمرزش، فیض و یا هر چیز دیگری که نیاز داریم. با دعای شفاعتی نیازها و احتیاجات دیگران حتی دشمنان خود را به حضور خدا می‌بریم. این دعا ما را با عیسی متحد می‌گرداند که دائماً زنده است تا آنانی را که به واسطه وی نزد خدا می‌آیند شفاعت کند (عبر ۲۵:۷). دعای شکرگزاری تمام زندگی و وجود ما را آکنده می‌سازد چون در این دعا تصدیق می‌کنیم که هر آنچه داریم از خدا یافته‌ایم، نظیر نعمات و مواهب خاصی که هر روز به ما می‌دهد و فوق از همه چیز به خاطر حیات، سلامتی و محبت پدرانهای که او نسبت به ما دارد.

مبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح که ما را مبارک ساخت به هر برکت روحانی در جایهای آسمانی.

رساله حضرت پولس به افسسیان ۱:۳

قدیس ترز در بیان دعا چنین می‌گوید :

برای من، دعا ضربان قلب است. نگاهی ساده به آسمان، فریاد قدردانی و محبت است که شادی و رنج را در آغوش می‌گیرد. (قدیس ترز. اهل لیسویو؛ نگاه کنید به اصل ۲۵۵۸).

در باره این "ضربان قلب" از جنبه‌های مختلف می‌توان صحبت کرد :

دعای آوایی. دعایی است که مکنونات قلب را از طریق کلمات یا سکناات بدنی ابراز می‌دارد. ذکر و تسبیح یکی از روش‌های دعای آوایی است که بسیاری از مسیحیان جهان آن را دوست دارند. "از آنجا که این دعا جنبه

بیرونی دارد به سادگی مورد پذیرش بسیاری قرار گرفت. حتی دعای درونی و قلبی نمی‌تواند به این دعا بی‌توجه باشد. این دعا ما را بر آن می‌دارد تا نسبت به او که 'با وی سخن می‌گوییم' توجه کافی داشته باشیم. دعای آوایی شکل مقدماتی دعای تعمقی است" (اصل جزمی ۲۷۰۴).

تعمقی که معمولاً با مطالعه کلام خدا آغاز می‌شود، مستلزم غوررسی در حقیقت ایمان به منظور پایبندی به آن است. یک درک عمیق‌تر و محبتی صمیمانه و گرم، توأم با هدف غایی انطباق زندگی و اعمال با آن. قدیس ترزا اهل آویلا، تعریفی از دعای متفکرانه دارد: "دعای متفکرانه چیزی نیست جز ارتباط نزدیک دو دوست. اغلب اوقات با او تنها بودن. با کسی که می‌دانیم ما را محبت می‌کند." (اصل جزمی ۲۷۰۹). دعای متفکرانه، "بیان ساده‌ای از راز دعاست. این دعا همانند چشمانی است که خیره به عیسی می‌نگرند و در کلام او مذاقه می‌کنند. یک محبت ساکت و آرام" (اصل جزمی ۲۷۲۴).

بزرگترین شکل دعا در راز سپاسگزاری متجلی می‌شود که "سر منشا و قله رفیع حیات مسیحی" است (اصل جزمی ۱۳۲۴). در این راز مومنین کاتولیک به کلام خدا گوش می‌سپارند و از طریق کشیش خود با مفهوم قربانی مسیح، و سپاس پدر برای نجات جهان متحد می‌شوند.

بیا ای روح قدوس، ای خالق بیا
از تخت پر جلال و درخشنده آسمانی
بیا و مالک جان‌های ما باش
و آنها را از آن خود گردان
ای تو که پاراکلت نامیده شدی
ای بهترین موهبت خدا از عالم بالا
ای نهر آب حیات، آتش فرو برنده
ای مسح گوارا، ای محبت راستین
ای که در فیض خود هفتگانه هستی
انگشت دست راست خدا
ای موعود، کودکان را تعلیم نما
تا بفهمند و سخن گویند
آه! هدایت فرما ذهن ما را در نور متبارک خود
با شعله ور ساختن محبت در قلب‌های ما
با قدرت خود که هرگز زوال نپذیرد
جسم فانی ما را قوت ببخش
دور ساز از ما خصم کینه توز را
صلح و سلامتی را بر ما ارزانی فرما

از میان تمام مخاطرات، ما را به سلامت بگذران
ما را به بال مقدس خود بپوشان
به واسطه تو می‌توانیم پدر را بشناسیم
و به واسطه تو، پسر جاودان را
و تو را ای روح آن دو
سه قدوس در یک
تمام جلال از آن پدر باد
و با پسر همسان او
و با تو ای پاراکلت خجسته تا ابدالابد.

۱۸ — دعای ربانی — ”ای پدر ما“

روزی یکی از شاگردان عیسی که او را قبلا در حال دعا دیده بود، از وی سوال کرد و گفت: ”خداوندا، دعا کردن را به ما تعلیم نما“ (لو ۱:۱۱). آنگاه عیسی دعایی را به ایشان تعلیم می‌دهد که مبدل به دعای تمام مسیحیان شده است، یعنی دعای ”ای پدر ما“.

دعای ای پدر ما در انجیل حضرت لوقا (۲:۱۱-۴) به شکل کوتاهتر از آنچه در نسخه حضرت متی (۶:۹-۱۳) آمده است دیده می‌شود. به هر حال شکل بلندتر آن در انجیل حضرت متی، دعای آشنا و محبوب تمام مسیحیان است.


۱۸-۱ ای پدر ما که در آسمانی

عیسی، پسر خدا تمام کسانی که به واسطه ایمان به او برادران و خواهران وی شده‌اند را به سوی ارتباطی صمیمانه با پدر هدایت می‌کند. ایشان در مقام پسران و دختران خدا این حق را دارند که او را با کلماتی مخاطب قرار دهند که مبین اعتماد کامل و احساس صمیمیتی نزدیک چون افراد خانواده او می‌باشد: ابا، پدر. (غلاطیان ۴:۶؛ مرقس ۱۴:۳۶).

وقتی می‌گوییم ”ای پدر ما“ باید با ”قلبی خاضع و آکنده از اعتماد که به ما امکان می‌دهد به سوی او بازگشته و فرزندش باشیم“ به حضور وی برویم. زیرا پدر خویشتن را بر ’کودکان‘ مکشوف می‌سازد“ (اصل جزمی ۲۷۵۸).

”که در آسمانی“ تداعی گر ”خانه پدر ما“ است ”انجا که وطن واقعی ما می‌باشد و به سوی آن رهسپاریم. وطنی که قبلا به ما تعلق یافته است“ (اصل جزمی ۲۸۰۲). قدیس آگوستین در این مورد می‌گوید: ”ای پدر ما که در آسمانی“ درک مستقیمی از این معناست که خدا در قلوب عادلان جای دارد همان طور که در مسکن قدس خود ساکن است“ (اصل جزمی ۲۷۹۴).

پدر بودن خدا، همگان را در جهان شامل می‌شود، حتی پسران و دخترانی که تجربه خوشایندی با والدین زمینی خود نداشته‌اند، آنان که به جای محبت شدن، طرد شده‌اند، به جای تایید شدن، تحقیر شده‌اند، به جای حلاوت تشویق و دلگرمی، شرننگ محکومیت بر جانشان ریخته است، و به جای احساس آزادی، ستم و سرکوب را تجربه کرده‌اند. این افراد پدر واقعی خود را در خدا می‌توانند بیابند و در جامعه مسیحی، برادران و خواهرانی را خواهند یافت که از طریق ایشان می‌توانند از دست رفته‌ها را بازیافت کنند.

 داشتن پدر در آسمان یعنی :





داشتن کسی که بتوان به او اعتماد کرد
حتی وقتی پدر خودمان ما را رها می‌کند
کسی که بتوانیم از او درخواست کنیم
حتی زمانی که مادر خودمان روی بر می‌گرداند
کسی که برادران و خواهران به ما بدهد ...
کسی که ما را دوست داشته باشد و بتوانیم دوستش داشته باشیم
چون پدر و مادرم مرا ترک کنند، آنگاه خداوند مرا برمی‌دارد.

مزمور ۲۷: ۱۰

۱۸-۲ نام تو مقدس باد

‘مقدس’ داشتن نام خدا به معنای تکریم نمودن او از طریق تصدیق و اعتراف به قدوسیت وی می‌باشد. مقدس داشتن نام خدا به معنای اذعان به این حقیقت است که عیسی، خداوند است (فیلیپیان ۲: ۹-۱۱) و اینکه تنها در نام او می‌توان نجات یافت (اعمال ۴: ۱۲).

مقدس داشتن نام خدا یعنی :

 اعلام کردن آن، سراییدن برای او چه در کلیسا و چه در تنهایی.
 باید با زندگی خود، قدوسیت او را نشان بدهیم و آن را در تمامی روابط روزمره خود آشکار نماییم.
 بگذاریم همگان بدانند که اسم خدا برای ما بسیار مهمتر و ارزشمندتر از نام‌های “بزرگانی” است که دنیا از ایشان به بزرگی یاد می‌کند.
 با تلاش و دعا، خدایی را که نجات دهنده ما است به تمام ملل جهان معرفی کنیم بلکه آنان نیز مشمول “نقشه محبت و شفقت” خدا بشوند و ما نیز جملگی “در حضور او در محبت، مقدس و بی‌عیب باشیم.”
(افسسیان ۱: ۴ و اصل جزمی ۲۸۰۷)

مقدس داشتن نام خدا همچنین به معنای حفظ حرمت دیگران است چرا که آنان به صورت خدا آفریده شده‌اند، و نیز به معنای رعایت احترام در خطاب کردن اسامی آنان. ما اجازه نداریم که اسامی دیگران را — چه به ما نزدیک باشند و چه دور — سبک بشماریم یا به گونه‌ای تحقیر کنیم، از ترس اینکه مبادا اسم ما فراموش

شود، در حالی که خدا می‌فرماید: ”مترس، زیرا که تو را به سمت خواندم پس تو از آن من هستی.“ (اشعیا ۴۳:۱).

ای پدر مقدس، تو را سپاس می‌گوییم
برای نام مقدست
که آن را در قلب ما ساکن گردانیده‌ای
و نیز برای معرفت و ایمان و فناپذیری
که بر ما آشکار فرمودی
از طریق خدمت عیسی

از کتاب دیدگاه، اصول ایمان مسیحیان قرن اول و دوم

۱۸-۳ ملکوت تو بیاید

در میان یهودیان عده بسیاری منتظر آمدن فرمانروایی یا ملکوت خدا بودند. آنان ایمان داشتند که خدا در شخص مسیحا خواهد آمد و آن کاری را که ایشان قادر به انجامش نبودند به انجام خواهد رسانید. آنها ایمان داشتند که او رومیان اشغالگر را شکست داده و از سرزمین ایشان بیرون خواهد راند. آنگاه چون پادشاهی مقتدر بر تخت سلطنت داود تکیه زده و از اورشلیم، مرکز جهان، بر تمام ملت‌ها فرمان خواهد راند.

اما آنچه عیسی در باره ملکوت خدا و فرمانروایی او تعلیم می‌داد، با این چیزها بسیار تفاوت داشت. طبق تعالیم او، ملکوت خدا همچون دانه‌ای است که یک کشاورز آن را در مزرعه خود می‌کارد و آن رشد می‌کند (متی ۱۳:۳-۹). یا شبیه دانه خردلی است که چون رشد کند، به درختی بزرگ تبدیل می‌شود (متی ۱۳:۳۲-۳۳). همچنین ملکوت خدا شبیه خمیرمایه اندکی است که زنی آن را به طغار بزرگی از خمیر می‌زند (متی ۱۳:۳۳). و یا مانند گنجی است که در یک مزرعه و زیر خاک پنهان است (متی ۱۳:۴۴). آنچه در واقع او می‌گوید این است که ملکوت خدا در حال حاضر در بین ما است که همانا کلام خداست که در قلوب ما نفوذ می‌کند، و حیات الهی به طور پنهان در ما رشد می‌نماید، و ما را متبدل می‌سازد. بنا براین ما نیز می‌توانیم برویم و میوه بیاوریم. عیسی به ما می‌فرماید: ”وقت تمام شد، و ملکوت خدا نزدیک است. پس توبه کنید و به انجیل ایمان بیاورید“ (مرقس ۱:۱۵). انجیل یعنی آن مژده و خبر خوشی که عیسی آورد. بنابراین، وقتی ما دعا می‌کنیم که ”ملکوت تو بیاید“ در واقع دعا می‌کنیم که روح القدس ”کار او را بر روی زمین تکمیل نماید و ما را به فیض کامل برساند.“ چرا که ”ملکوت خدا ... عدالت و سلامتی و خوشی روح القدس“ است (رومیان ۱۷:۱۴ و اصول جزمی ۲۸۱۹ و ۲۸۱۸).

در دعا برای آمدن ملکوت خدا، ما چشم انتظار بازگشت مسیح در جلال خود و در انقضای زمان هستیم. ما هماهنگ با روح القدس و تمام کلیسا فریاد برمی‌آوریم: ”خداوند عیسی بیا!“ ”ماران اتا“ (اول قرن‌تینان ۱۶:۲۲). همچنین عیسی می‌گوید: سعی نکنید بفهمید این وقایع چه زمانی رخ خواهند داد چرا که تنها خدای پدر از آن

روز و ساعت آگاه است. اما شما هوشیار باشید، در ایمان، امید، و محبت زندگی کنید که در اینصورت ضیافت پدر را از دست نخواهید داد. پس دعا کرده بگویید: ملکوت تو بیاید!

انجیل. واژه یونانی Evangelion که انجیل ترجمه شده است در اصل به معنای خبر پیروزی بزرگ در جنگ یا خبر تولد فرزند پسر برای پادشاه است. در اینجا به معنی خبر خوش پیام عیسی و آیات الهی است که او بعمل آورد.

۱۸-۴ اراده تو کرده شود

از آنجا که خدا سرور و پادشاه جهان است، فرمانروایی او واقعیتی است برای تمام بشریت. به همین جهت گاه از خود می‌پرسیم: خدا چه می‌خواهد؟ او از من چه می‌خواهد؟ آنچه را که در دنیا و جامعه‌ای که در آن زیست می‌کنیم شاهد هستیم، حاکمیت خواست انسان است. حاکمیت قدرتمندان و زورمداران. هیچیک از آنها از خود نمی‌پرسد که آنچه را آزادانه انجام می‌دهم آیا با خواست و اراده خدا عملاً انطباق دارد؟

چون اراده ما بر خلاف اراده خداست
می‌خواهیم نام خود را بزرگ نشان دهیم
می‌خواهیم فرمانروایی خود را برقرار سازیم
مایل نیستیم نان خود را با دیگران تقسیم کنیم
حاضر نیستیم خود را بپذیریم
با یکدیگر به عناد و دشمنی برمی‌خیزیم
و به خدای خود اعتماد نداریم
از این رو مقصر و گناهکاریم

به همین دلیل است که ما به مریم نگاه می‌کنیم. چون فرشته به نزد او آمد، مریم گفت "لیبک" (به لاتین: fiat، اراده خدا انجام شود). عیسی نیز فرمود: "خوراک من آن است که خواهش فرستنده خود را به عمل آرم و کار او را به انجام رسانم" (یوحنا ۴: ۳۴). همچنین می‌دانیم که عیسی در شب قبل از مرگ خود در باغ جتسیمانی دعا کرد و گفت: "ای پدر، اگر بخواهی این پیاله را از من بگردان لیکن نه به خواهش من بلکه به اراده تو" (لوقا ۲۲: ۴۲). روز بعد عیسی را به صلیب آویختند. انسان‌ها طبق میل و خواست خود با او عمل کردند. اما خدا او را ترک نکرد. او پسر خود را زنده کرد. بنا براین عیسی ضامن امید ما است. او کسی است که چون دچار مصیبت شویم می‌توانیم به او توسل جوییم.

اراده خدا این نیست که
جوانی به اعتیاد گرفتار شود

شخصی از دیگری بهره‌کشی کند
بیماری در تنهایی رنج بکشد
سالخوردگان در جامعه به حساب نیایند

اما هرگاه شخصی

به دیگری کمک نماید
پوشاک خود را با دیگری قسمت کند
از یک بیمار مراقبت نماید
با بی عدالتی مبارزه کند
پیام خوش انجیل مسیح را اعلام نماید
این اراده خداست

اراده خدا در ما زمانی انجام می‌شود که به او توکل کنیم، به حضور او در کنار خود و در هر لحظه از زندگی مان، در میان تمام غم‌ها و حتی هنگامی که احساس می‌کنیم از ما دور است به او اعتماد داشته باشیم. وقتی در راستای محبت کردن دیگران تلاش می‌کنیم، اراده خدا را درک خواهیم کرد، هنگامی که مجدانه در صدد برقراری صلح هستیم، اراده خدا را حس می‌کنیم. وقتی وظایف مسیحی خود را در زندگی روزمره به نحو احسن انجام می‌دهیم، آنگاه که در فرایند دلسردی و یاس، امید خود را زنده نگاه می‌داریم، می‌توانیم اراده خدا را درک کنیم. اراده خدا این است که ما "فرزندان" راستین او باشیم، کسانی که "از روح او هدایت می‌شوند" (روم ۸: ۱۴-۱۷).

باشد که اراده تو در ما انجام شود

تا ما نیز راه آزادی را بیابیم

تا آنکه همگان به سوی تو آیند

باشد که اراده تو چنان که در آسمان است بر زمین نیز کرده شود

تا گناهان و خطایا از آن زدوده شوند و حقیقت و راستی در آن ریشه کند

هر نوع شرارت و تباهی در آن نابود گردد

محاسن و نیکویی‌ها در آن شکوفا شوند

و زمین بیش از در تقابل با آسمان نباشد

قدیس جان کریزوستوم. اصل جزمی ۲۸۲۵

پس ما چنین دعا می‌کنیم :

باشد که اراده تو در زمین کرده شود

آنگاه جمله افراد بشر نجات خواهند یافت.

”چونکه سر اراده خود را به ما شناسانید بر حسب خشنودی خود که در خود عزم نموده بود“ (افسیان ۹:۱).

خدا ”می‌خواهد جمیع مردم نجات یابند و به معرفت راستی گرایند“ (۱ تیمو ۲:۳-۴. اصول جزمی ۲۸۲۳ و ۲۸۲۲).

۱۸-۵ نان روزانه ما را به ما بده

در دومین بخش از دعای ”ای پدر ما“، از او درخواست می‌کنیم آنچه را که برای زندگی لازم داریم، به ما ارزانی فرماید و می‌گوییم: نان روزانه ما را به ما بده.

رهبان قوم اسرائیل در بیابان آموختند که این خداست که به آنها نان می‌دهد. و پی بردند که چگونه این کار را انجام می‌دهد. من آسمانی شبیه شبنم صبحگاهی از آسمان می‌آمد و سطح زمین را می‌پوشانید. این نان برای سیر کردن همه گرسنگان کافی بود. هر کس می‌توانست هر مقدار که نیاز داشت بردارد، یکی بیشتر و یکی کمتر. اما بعضی سعی کردند که بیش از نیاز روزانه خود ذخیره کنند چرا که نمی‌توانستند برای ”هر روز“ به خدا اعتماد کنند. اما آنچه ذخیره می‌کردند فاسد می‌شد (خروج ۱۶).

خدا کلام خود را به ما می‌دهد. او نان خود را به ما عطا می‌کند. او عیسی، پسر خود را به ما ارزانی می‌دارد. در راز مقدس سپاسگزاری، او خودش نان روزانه ما می‌شود، نان حیات، بدن مسیح، ”داروی هر فساد و تباهی“ (قدیس ایگناتیوس، انطاکیه) که بدون آن در خود حیات نداریم (اصل جزمی ۲۸۳۷). او ما را دعوت می‌کند که این نان روحانی را با دیگران قسمت کنیم. وقتی از خدا نان روزانه خود را درخواست می‌کنیم، در واقع هر چیزی را که برای زندگی نیاز داریم درخواست کرده‌ایم، نظیر نان و آب، خانه گرم و امن، کار، دوست و برکات خدا را. خدا زمین را در اختیار ما قرار داده است که از آن گندم، برنج، ذرت و نظایر آنها می‌رویند. ”محصول زمین و دسترنج انسان“. از این جهت ما نیز باید خوراک خود را با گرسنگان قسمت کنیم.

امروز

نانی را که نیاز داریم به ما عطا فرما

تا ما نیز برای دیگران

آن کسی باشیم که نیاز دارند.

ما دعا کرده می‌گوییم:

خداوندا، خدای جهان تو متبارک هستی

از نیکی توست که این نان را داریم

ثمره زمین و دسترنج انسان

آن را به تو تقدیم می‌داریم تا برای ما نان حیات گردد

خداوند ما تا به ابد متبارک باد.

دعای تقدیم هدایا

پنجمین درخواست در دعای ربانی شامل دو بخش است : خواهش و قول.

خواهش : "گناهان ما را ببخش" دعایی است که هر کس می‌تواند بر زبان بیاورد، چرا که هیچ انسانی بدون گناه نیست. گناهانی که در حق خدا مرتکب می‌شویم این است که کلامش را به جا نیاوریم، جویای اراده او نباشیم، و تصور کنیم که می‌توانیم جدا از او در حالت دشمنی با وی زندگی کنیم و نیز بکوشیم تا فرمانروایی خود را برقرار سازیم.

ما در حق خدا مرتکب گناه می‌شویم هنگامی که به پسر یگانه او عیسی مسیح که در راه ما به جهان آمد، انسان شد تا ما را به سوی خدا بازگردان ایمان نمی‌آوریم. عیسی نشان محبت پدر و گواه شفقت او به بشر است، به همه انسان‌ها در تمام قرون و اعصار. عیسی که پدر را به گونه‌ای متفاوت از هر انسانی می‌شناسد به ما می‌گوید که خدا ما را می‌بخشاید.

گناه در حق انسان این است که نان خود را با نیازمندان تقسیم نکنیم. با یکدیگر دشمنی بورزیم. همدیگر را تحقیر کنیم، برنجانیم و مورد اجحاف قرار بدهیم و به یکدیگر دروغ بگوییم.

قول : "چنان که ما نیز قرضداران خود را می‌بخشیم". بعد از آنکه در دعا از خدا برای آمرزش گناهان خود درخواست کردیم، قول می‌دهیم که ما نیز دیگران را ببخشیم. اما این بر خلاف طبیعت ما است. تحمل بی‌عدالتی بسیار دشوارتر از روا داشتن آن است. کسی که مورد اهانت، خیانت و اجحاف قرار گرفته است به طور طبیعی به انتقام می‌اندیشد: "او از این کار خود پشیمان خواهد شد! هرگز نمی‌توانم تو را به خاطر آن کار ببخشم! دیگر هیچوقت با تو صحبت نمی‌کنم! و ..." بدینسان دوستان به دشمن تبدیل می‌شوند و همسایه‌ها با یکدیگر غریبه می‌گردند.

آنگاه که مورد ظلم و بی‌عدالتی قرار می‌گیریم، اگر تصور کنیم که انتقام گرفتن تنها واکنش ممکن است، در ورطه بی‌عدالتی مجدد و احساس خطا خواهیم افتاد. عیسی به ما آموخت که چگونه خود را از این ورطه برهانیم. با دعا کردن برای کسانی که به ما آزار رسانیده‌اند (متی ۵:۴۴). با برکت طلبیدن برای آنها، با غلبه بر خشم و نفرت از طریق محبت. با صحبت کردن با کسی که ما را رنجانیده است. با دادن فرصتی دوباره به او و نیز به خودمان. "نهر رحمت نمی‌تواند در قلب ما جاری گردد تا زمانی که نتوانسته‌ایم کسانی را که نسبت به ما خطا کرده‌اند ببخشاییم" (اصل جزمی ۲۸۴۰).

عیسی به ما می‌گوید که بخشش تا چه اندازه مهم است :


پس هر گاه هدیه خود را به قربانگاه ببری و آنجا به خاطرت آید که برادرت بر تو حقی دارد، هدیه خود را پیش قربانگاه واگذار و رفته اول با برادر خود صلح نما و بعد آمده هدیه خود را بگذران.

انجیل حضرت متی ۲۳:۵-۲۴

گناهان ما را ببخشای

درست همان گونه که ما یکدیگر را می‌بخشیم

در نیمه راه به دیدار ما بشتاب
درست همان گونه که ما نیز به دیدار یکدیگر می‌شتابیم
دستت را به سوی ما دراز کن
درست همان گونه که ما دست خود را به سوی یکدیگر دراز می‌کنیم
حساب گناهان ما را نگاه مدار
درست همان گونه که ما حساب گناهان یکدیگر را نگاه نمی‌داریم
با ما بردبار باش درست همان گونه که ما با یکدیگر بردباریم
به ما فرصتی دوباره عطا فرما
درست همان گونه که ما به یکدیگر فرصتی دوباره می‌دهیم
ما را در برابر وسوسه قوت ببخش
درست همان گونه که ما یکدیگر را یاری می‌کنیم
ما را از شریر رهایی ده
تا بتوانیم همه با هم تو را بستاییم.

 گناہانی را که مرتکب شده‌ام بیامرز
و گناہان تمام انسان‌ها، تمام برادرانم را عفو فرما
به ما نور و قوت عطا کن
عادات جمعی را در ما ریشه کن نما
که دنیای ما را در زنجیر بی عدالتی بسته است
باشد که آمرزش تو ما را احیا گرداند
تا در بازگشت خویش، ما نیز بتوانیم
بخشایش، عدالت و صلح را بنا کنیم.

دعایی را که عیسی به ما آموخت تنها زمانی می‌توانیم با قلبی صادق به حضور خدا ببریم که هر یک از ما دیگری را از ته دل بخشیده باشیم.

۱۸-۷ ما را در آزمایش میاور

خدا به ما آزادی انتخاب و به همراه آن، این توانایی را نیز داده است که مسئولیت کامل تصمیمات خود را بپذیریم، یعنی تصمیم به یک زندگی مبتنی بر اعتماد به خدا و کلام او یا یک زندگی بدون خدا. شک و تردیدها از درون قلب ما برخاسته و به سراغ ما می‌آیند. با خود فکر می‌کنیم که خدا مرا دوست ندارد. او مرا نمی‌بیند. شاید اصلاً به فکر من نیست. در این حال وسوسه‌گر نیز می‌کوشد تا ما را دلسرد کند. "چرا بیهوده مزاحم خدا می‌شوی؟ او کمکی به تو نخواهد کرد. آیا زندگی بدون خدا راحت‌تر نیست؟ می‌توانی از هر لذتی بهره‌مند شوی و ..."

داستان وسوسه و خیانت در محبت درست باز می‌گردد به نخستین مرد و زن.

وسوسه یعنی مورد آزمایش قرار گرفتن و گذر از تجربه‌ای که ما را متزلزل می‌سازد، تجربه‌ای که مستلزم تصمیم‌گیری است. یک "تصمیم قلبی" (اصل جزمی ۲۸۴۸). انسان‌ها می‌توانند تسلیم وسوسه شده و به دامان گناه سقوط کنند. وقتی من وسوسه می‌شوم، آزادی‌ام در معرض خطر قرار می‌گیرد. وسوسه چیزی است میان من و خدا.

اما هر که می‌خواهد در وسوسه‌ها محکم و توانمند بایستد، باید رابطه‌ای نزدیک با عیسی داشته باشد. "به واسطه دعاهایش بود که وسوسه‌گر را مغلوب ساخت" (اصل جزمی ۲۸۴۹). او به پدر وفادار ماند و هیچگاه مغرور نبود. ما نیز می‌توانیم یقین بدانیم که در وقتی در وسوسه هستیم، خدای امین راهی را به ما نشان خواهد داد تا استوار بمانیم (اول قرنتیان ۱۰:۱۳).

وقتی در دعا می‌گوییم "ما را در آزمایش میاور" در حقیقت فیض پایداری تا لحظه رویارویی با مرگ را طلب کرده‌یم. "من چون دزد می‌آیم! خوشابحال کسی که بیدار باشد" (نگاه کنید به اعمال ۱۶:۱۵ / اصل جزمی ۲۸۴۹) ما از خدا درخواست می‌کنیم که در هنگام وسوسه‌ها از ما حمایت کند و قوت بخشد تا ما نیز به همان شکل در کنار یکدیگر بایستیم و برای هم کمک و حمایت باشیم. باید هوشیار باشیم که موجب لغزش یکدیگر نباشیم. انسانی که تنهاست، ضعیف است و زودتر از پا می‌افتد تا آن زمان که چند نفر در کنار او ایستاده باشند. خدا نیز بدیشان کمک می‌کند تا در مقابل نیروی شیطان ایستادگی کنند.

خدایا،

مگذار پا در قدرت گناه بگذارم

مرا از نیروی عصیان

و از نیروی وسوسه

و از قوت چیزهای گذرا، رهایی و نجات بده

بر گرفته از دعای شامگاهی یهود

۱۸-۸ بلکه از شریر، ما را رهایی ده

شیطان و نیروهای او در هر نقطه از این دنیا حضور دارند و نیازی نیست که به دنبال آنها بگردیم. بلایای طبیعی، زمین لرزه، سیل و مصیبت‌های گوناگون باعث تباهی زندگی بسیاری می‌شوند.

قربانیان این بلایا می‌پرسند: "چرا؟ مگر چه کرده‌ایم که سزاوار این مصیبت شدیم؟" اغلب اوقات مصیبت‌ها و فجایع نتیجه شرارت‌های انسان هستند. از این جهت اعتماد کردن به دیگران دشوار می‌نماید.

وقتی در دعا می‌گوییم: "بلکه از شریر ما را رهایی ده"، تمامی سیه‌روزی‌های جهان را در پیشگاه پدر آسمانی قرار می‌دهیم. نه فقط بلایایی که ما را تهدید می‌کنند، بلکه شرارت‌هایی را که ناخواسته ما و دیگران را به دام می‌اندازند نیز به حضور او می‌آوریم. ما آن دسته از قوانین و توافق‌های بین‌المللی را به حضور خدا می‌آوریم که هدفشان تداوم بخشیدن به کشمکش‌ها، یا قوی‌تر ساختن زورمداران، ثروتمندتر شدن متمولین، فقیرتر شدن فقرا و متکی‌تر بودن وابستگان است.

ما مسیحیان نه تنها به وجود شرارت و گناه اعتقاد داریم، بلکه وجود شیطان را نیز باور داریم (یوحنا ۱۷:۱۵). سنت مسیحی به ما می‌گوید که شیطان دشمن خداست، همان ابلیس که همواره در کار است. او همچنین دشمن انسان است. می‌کوشد تا با وسوسه، نیرنگ و دروغ، ما را از خدا دور کرده و به صف خود ملحق نماید. او تلاش می‌کند ما را از انجام اراده خدا باز دارد و وادار به تبعیت از نقشه‌های خود سازد، نقشه‌هایی مبتنی بر نفرت و نفاق. می‌خواهد ما را از پیروی عیسی برای رسیدن به حیات منع کند تا از طریق او پیروی کنیم که منتهی به هلاکت است. راز تاریک قدرت شیطان دامنگیر همه ما شده است.

لیکن ما ایمان داریم خدایی که عیسی مسیح او را بر ما آشکار فرمود، بسیار نیرومندتر از تمام قدرت‌های شیطان در این جهان است. اگر به او بچسبیم می‌توانیم بدون ترس زندگی کنیم و به او اعتماد نماییم چرا که او قدرت شیطان را درهم کوبیده است. در ایام آخر، خداوند باز خواهد گشت و به همراه او جهان نوین خدا، جهانی که خدا در آن کل در کل است برقرار خواهد شد.

در هر آیین قربان مقدس، چنین دعا می‌کنیم

ای خداوند، ما را رهایی ده، از تمام شرارت‌ها و بدیها

روزگار ما را قرین آرامش بگردان

در رحمت خود ما را از گناه برهان و از آشفتگی در امان بدار

ما که چشم انتظار امید مبارک خود، آمدن عیسی مسیح نجات‌دهنده هستیم.

۹-۱۸ تو را می‌پرستیم و سپاس می‌گوییم

ما می‌توانیم از خدا استمداد کنیم چون او ما را دوست دارد و قادر است هر نیاز ما را برآورده نماید. او مالک عالم هستی است و هر چه حیات دارد برای آن خلق شده تا جلال او را آشکار سازد. هر که ایمان دارد خدا دوست انسان است، و علی‌رغم اتفاقات بد به ما نزدیک است، آنگاه می‌داند که تعلق داشتن به او نیکوست. پس شایسته است که او را سپاس گوئیم و در وصف او سرود ستایش بسراییم.

و هر مخلوقی را که در آسمان و بر زمین و زیر زمین و در دریاست و آنچه در آنها می‌باشد شنیدم که می‌

گویند:

”تخت نشین و بره را برکت و تکریم و جلال و توانایی باد تا ابدالآباد!“

مکاشفه حضرت یوحنا ۵:۱۳

از دیرباز، و از روزگاران نخستین کلیسا، جامعه مسیحیان دعای ربانی را با این سرود ستایش به پایان برده‌اند:

زیرا ملکوت

و قوت و جلال

تا ابدالآباد از آن تو است.

آمین!

ضمیمه

۱- دعاها

نشان صلیب

به نام پدر و پسر و روح القدس

جلال باد

جلال باد بر پدر و بر پسر و بر روح القدس آنگونه که از آغاز بود، و اکنون هست و تا به ابد، تا بی انتهای عالم خواهد بود. آمین

دعای ربانی

ای پدر ما که در آسمانی

نام تو مقدس باد

ملکوت تو بیاید

و اراده تو چنان که در آسمان است

در زمین نیز کرده شود

نان کفاف ما را روز به روز به ما بده

و گناهان ما را ببخش

زیرا که ما نیز هر قرضدار خود را می بخشیم

و ما را در آزمایش میاور

بلکه ما را از شریر رهایی ده

اعتراف

من در حضور خدای قادر مطلق اعتراف می کنم

و در حضور شما برادران و خواهرانم

که در ضعف خود مرتکب گناه شده ام

(همه به سینه خود بزنند)

در گفتار و پندار

در آنچه انجام داده ام و آنچه غفلت کرده ام

و من از مریم عذرا، آن همیشه باکره

و از تمام فرشتگان و قدیسیں

و از شما برادران و خواهران درخواست می کنم

به حضور خداوند خدای ما

برای من دعا کنید.

سرود جمعی

خداوند رحمت فرماید

— خداوند رحمت فرماید

مسیح رحمت فرماید

— مسیح رحمت فرماید

خداوند رحمت فرماید

— خداوند رحمت فرماید

سرود جلال

خدا را در اعلیٰ علین جلال و در زمین صلح صلح و سلامت بر مردمان باد

خداوند خدا، پادشاه آسمانی ای پدر قادر مطلق

تو را پرستش می‌کنیم، تو را سپاس می‌گوییم، و تو را از برای جلال عظیمت می‌ستاییم

خداوند، عیسی مسیح، ای پسر یگانه پدر

خداوند خدا، بره خدا، ای که گناه جهان را برمی‌داری

بر ما رحم کن

ای که بر دست راست پدر نشسته‌ای

دعای ما را بشنو

زیرا تنها تو قدوس، تو خداوند هستی

زیرا تنها تو متعال هستی ای عیسی مسیح

با روح القدس در جلال خدای پدر.

اعتقاد نامه رسولان

ما ایمان داریم به خدای یکتا، پدر قادر مطلق

آفریدگار آسمان و زمین و هر چه در آنها پیدا و ناپیدا است

ما ایمان داریم به یک خداوند، عیسی مسیح، پسر یگانه خدا

مولود ازلی پدر، خدا از خدا، نور از نور

خدای راستین از خدای راستین که زاده و آفریده نشده است

همذات با پدر

که از طریق او همه چیز هستی یافت

برای ما آدمیان و نجات ما از آسمان فرود آمد

به قدرت روح القدس
 از مریم عذرا جسم گرفت و انسان شد
 در عهد پنطیوس پیلاطس به خاطر ما مصلوب شد
 او رنج کشید، مرد و دفن شد و بر حسب کتاب مقدس در روز سوم برخاست
 به آسمان صعود نمود و به دست راست پدر نشسته است
 بار دیگر در جلال خواهد آمد تا بر زندگان و وردگان داوری کند
 سلطنتش را پایانی نخواهد بود
 ما به روح القدس ایمان داریم که خداوند و بخشنده حیات است
 که از پدر و پسر صادر می‌گردد
 او را با پدر و پسر، یک پرستش و جلال است
 از طریق انبیا تکلم فرموده است
 ما به یک کلیسای جامع مقدس و رسولانی ایمان داریم
 و به یک تعمیم برای آمرزش گناهان اذعان می‌نماییم
 ما در در انتظار قیام مردگان
 و زندگی در جهان آینده هستیم.

قدوس

قدوس، قدوس، قدوس خدای قادر علی‌الاطلاق
 آسمان و زمین از جلال تو مملو است
 هوشیاعانا در اعلی‌علیین
 متبارک باد آنکه به نام خداوند می‌آید
 هوشیاعانا در اعلی‌علیین

بره خدا

ای بره خدا، تو گناه جهان را برمی‌داری. بر ما رحمت فرما
 ای بره خدا، تو گناه جهان را برمی‌داری. بر ما رحمت فرما
 ای بره خدا، تو گناه جهان را برمی‌داری بر ما صلح عطا فرما

سلام، مریم

سلام بر تو ای مریم، ای سرشار از فیض، خداوند با توست
 مبارک هستی تو در میان زنان
 و مبارک است عیسی، ثمره رحم تو
 ای مریم مقدس، مادر خدا،

برای گناهکاران دعا کن
هم اکنون و در ساعت مرگمان. آمین

سرود تمجید

جان من خداوند را تمجید می کند
و روح من به رهاننده من خدا به وجد آمد
زیرا بر حقارت کنیز خود نظر افکند
زیرا هان از کنون تمامی طبقات مرا خوشحال خواهند خوانند
زیرا آن قادر به من کارهای عظیم کرده
و نام او قدوس است
و رحمت او نسلا بعد نسل است
بر آنانی که از او می ترسند
به بازوی خود قدرت را ظاهر فرمود
و متکبران را به خیال دل ایشان پراکنده ساخت
جباران را از تخت‌ها به زیر افکند
و فروتنان را سرافراز گردانید
گرسنگان را به چیزهای نیکو سیر فرمود
و دولتمندان را تهی دست رد کرد
بنده خود، اسراییل را یاری کرد
به یادگاری رحمانیت خویش
چنان که به اجداد ما گفته بود
به ابراهیم و ذریت او تا ابدالآباد.

پیام فرشته

فرشته خدا با مریم سخن گفت
— و او از روح القدس آبستن گردید
سلام مریم
اینک کنیز خداوندم
— مرا بر حسب سخن تو واقع شود
سلام مریم
و کلمه جسم گردید
— و در میان ما ساکن شد

سلام مریم

برای ما دعا کن ای مادر مقدس خدا

تا شایسته وعده‌های مسیح گردیم

دعا کنیم

ای خداوند، التماس می‌کنیم که فیضت را در قلوب ما فرو ریزی تا ما که از تن‌گیری مسیح پسر تو به واسطه پیام فرشته آگاه شدیم، از ورای رنج و صلیب او به جلال قیامش آورده شویم. توسط عیسی مسیح، خداوند ما. آمین

باشد که معاونت خدا همواره با ما بماند و باشد که جان‌های مومنان در گذشته در رحمت خدا آرامی بیابند.

آمین تسبیح مقدس

به نام پدر...

[در اینجا برخی از کاتولیک‌ها و نه همه آنها تسبیح خود را از محل صلیب و مهره کوچک کناری آن و با دعاهای زیر آغاز می‌کنند:

من ایمان دارم ... جلال باد ... ای پدر ما ... سلام مریم (سه بار برای فضایل ایمان، امید و محبت) ... جلال باد بر ...]

سپس یک دهه از تسبیح را می‌خوانیم (یک "ای پدر ما" و ده "سلام مریم" و بعد "جلال باد بر ...") در همان حال بر رازهای زیر تعمق می‌کنیم (که معمولا هر یک پنج تا هستند)

پنج راز شادمانه

۱. اعلام تولد (لوقا ۱: ۲۶-۳۸)
۲. ملاقات (لوقا ۱: ۳۹-۵۶)
۳. ولادت عیسی در بیت لحم (لوقا ۲: ۱-۲۰)
۴. تقدیم عیسی خردسال به معبد (لوقا ۲: ۲۲-۳۸)
۵. یافتن عیسی نوجوان در معبد (لوقا ۲: ۴۱-۵۲)

پنج راز روشنایی

۱. تعمید مسیح در رود اردن (مرقس ۱: ۱۹-۱۱)
۲. معجزه در قنای جلیل (یوحنا ۱: ۱-۱۱)
۳. بشارت ملکوت و دعوت به توبه (مرقس ۱: ۱۴-۱۵)
۴. تجلی هیات مسیح در کوه (متی ۱: ۱۸-۸)
۵. تاسیس راز قربانی مقدس (لوقا ۲۲: ۱۹-۲۰)

پنج راز اندوهبار

۱. دعا و رنج در باغ (لوقا ۲۲:۳۹-۴۶)
۲. شلاق خوردن (یوحنا ۱۹:۱)
۳. گذاردن تاج خار (یوحنا ۱۹:۲-۵ / متی ۲۷:۲۷-۳۱)
۴. حمل کردن صلیب (یوحنا ۱۹:۱۶-۱۷ / لوقا ۲۳:۲۶-۳۲)
۵. تصلیب و مرگ خداوند (یوحنا ۱۹:۱۶-۳۷ / لوقا ۲۳:۳۳-۴۹)

پنج راز پر جلال

۱. قیام (لوقا ۲۴ / مرقس ۱۶ / متی ۲۸ / یوحنا ۲۰)
۲. عروج عیسی (مرقس ۱۶:۱۹ / لوقا ۲۴:۵۰-۵۳)
۳. ریزش روح القدس بر رسولان (اعمال ۲:۱-۴)
۴. عروج مریم (مکاشفه ۱:۱۲)
۵. تاجگذاری مریم عذرا در آسمان و جلال تمام مقدسین

دعاهایی در طول روز

ای خدای قادر مطلق، ای پدر که مرا خلق کرده‌ای، و ای پسر که به واسطه صلیب مرا فدیة داده‌ای و ای روح القدس که در من زیست می‌کنی و در من حرکت داری، مرا برکت بده و محافظت فرما، در تمام طول روز. آمین.

ای خدای من، اکنون تمام اندیشه‌ها، سخنان و اعمال و رنج‌هایم را به تو تقدیم می‌کنم. مرا فیض عطا فرما تا امروز سبب رنجش تو نگردم، بلکه با امانت تو را خدمت کنم و در هر چیز خواست و اراده تو را به جا آورم. آمین

باشد که خداوند، ما را برکت دهد و ما را از هر بدی دور نگاه دارد و ما را به حیات ابدی رهنمون گردد. آمین

۲- احکام

ده فرمان

من هستم یهوه خدای تو، که تو را از زمین مصر و از خانه غلامی بیرون آوردم.
تو را به حضور من خدایان دیگر نباشد.
نام یهوه خدای خود را به باطل مبر.
روز سبت را نگاه دار و آن را تقدیس نما.

پدر و مادر خود را حرمت دار.

قتل مکن.

زنا مکن.

دزدی مکن.

بر همسایه خود شهادت دروغ مده.

بر زن همسایهات طمه مورز

بر اموال همسایهات طمع مکن.

پنج حکم کلیسا

۱. تو باید در نماز یکشنبه و ایام مقدس تعهدآور شرکت کنی و از انجام کارهای پست خودداری نمایی.
۲. دست کم یکبار در سال به گناهان خود اعتراف کن.
۳. دست کم یکبار در سال و حول و حوش عید قیام باید راز قربان مقدس را دریافت کنی.
۴. ایام روزه و امساک را که کلیسا تعیین کرده است رعایت نما.
۵. در رفع نیازهای کلیسا شرکت کن.

۳- رازها

رازهای هفتگانه

۱. تعمید
۲. تأیید
۳. سپاسگزاری
۴. توبه
۵. تدهین بیماران
۶. مناصب مقدس
۷. ازدواج

به هنگام اعتراف

هنگام ورود به محل اعتراف، نشان صلیب را رسم کرده و بگویید: "به نام پدر و پسر و روح القدس. آمین"
سپس کشیش شما را دعوت می‌کند که به خدا اعتماد کنید و به شما خواهد گفت: "باشد که خدا قلبت را
منور سازد تا بتوانی گناهانت را به راستی تصدیق کنی و رحمت پرمهر او را دریافت داری."

شما در پاسخ بگویید : آمین.

سپس به گناهان خود اعتراف کنید، به آنچه کشیش ممکن است به عنوان راهنمایی بگوید گوش کنید، و عملی را که به جهت توبه برای شما مقرر می‌کند بپذیرید.

بعد از اعتراف به گناهانتان، احساس ندامت و اندوه خود را با کلماتی نظیر اینها ابراز کنید: من به تو گناه کردم و با توکل به فیض تو دیگر گناه نخواهم کرد.
آنگاه کشیش مغفرت شما را با این کلمات اعلام می‌دارد :

”خدا پدر جمیع رحمت‌ها به واسطه مرگ و قیام پسرش جهان را با خود مصالحه داده است و روح‌القدس را به منظور آمرزش گناهان به میان ما فرستاده است. از طریق خدمت کلیسا، باشد که خدا تو را آمرزش و صلح عطا کند. و من به نام پدر و پسر و روح‌القدس گناهانت را عفو می‌نمایم.“

شما در پاسخ بگویید آمین.

امکان دارد کشیش اضافه کند:

”خدا را تمجید کن. او مهربان و نیکوست“

شما در پاسخ بگویید :

”و رحمت او تا ابدالابد است.“

کشیش : ”خدا گناهان تو را آمرزید. به سلامتی روانه شو.“

پس از اعتراف و توبه، با این عبارات مراتب سپاسگزاری خود را ابراز نمایید :

”خداوند، پدر من، تو را می‌ستایم، تو را دوست دارم و با تمام قلب خود از تو سپاسگزارم. چون گناهان مرا به کلی با خون گرانبهای عیسی، نجات دهنده من پاک فرمودی. مرا همواره در حضور خود نگاه دار. بر همگان رحمت فرما چنان که بر من رحم کردی. مگذار خون مسیح برای هیچکس بیهوده ریخته باشد.“

۴- گناهان و فضایل هفت گناه مهلك و هفت فضیلت

۱. غرور — تواضع
۲. طمع — بخشندگی
۳. شهوت پرستی — پاکدامنی
۴. خشم — ملایمت
۵. شکمبارگی — خویشنداری
۶. حسد — محبت برادرانه
۷. تن پروری — سخت کوشی

مواهب و عطایای روح القدس

۱- ایمان

خداوندا، من به تو و تمام آنچه کلیسای مقدس تو تعلیم می دهد ایمان دارم. تو حقیقت مطلق هستی، فریب نمی دهی و فریب نمی خوری.

۲- امید

خداوندا، من به تو امید دارم و بر تو توکل می کنم. به خاطر فیض و جلال تو. چون تو بی نهایت نیکو هستی و در وعده هایت، تماما مقتدر و وفاداری.

۳- محبت

خداوندا، تو را با تمامی دل و فوق از هر چیز دیگری محبت می کنم. چون تو بی نهایت نیکو و کامل هستی. مرا تعلیم بده تا هر روز بیش از پیش تو را محبت کنم و به خاطر تو، همسایه ام را چون خودم محبت نمایم.

هفت عطای روح القدس

۱. حکمت
۲. درک و فهم
۳. مشورت و راهنمایی
۴. بردباری
۵. معرفت
۶. دینداری
۷. خداترسی

چهار فضیلت مهم کلیسای کاتولیک

۱. حزم و دوراندیشی
۲. عدالت و انصاف
۳. بردباری و شکیبایی
۴. اعتدال و میانه روی

هفت کار شفقستی

۱. اطعام گرسنگان

۲. رفع عطش تشنگان
۳. پوشانیدن برهنگان
۴. سرپناه دادن به بی پناهان
۵. عیادت از بیماران
۶. ملاقات زندانیان
۷. تدفین مردگان

هفت کار شفقتی روحانی

۱. اصلاح گناهکاران
۲. تعلیم نادانان
۳. تقویت دودلان
۴. دلداری مصیبت دیدگان
۵. چشم پوشی از رنجش‌ها
۶. تحمل صبورانه خطاها
۷. دعا برای زندگان و مردگان

رهنمودهای انجیل

کاملیت مسیحیان بر حسب رهنمودهای عیسی در اناجیل (متی ۱۹: ۱۰-۱۲ و ۲۱ و ۲۳-۲۹) همچنین (اصل جزمی ۲۰۵۳).

۱. فقر — چشم پوشیدن از تمام اموال مازاد و غیر ضروری
 ۲. پاکدامنی — حفظ تجرد با انتخاب آزاد به خاطر ملکوت خدا
 ۳. اطاعت — چشم پوشی از خواست و اراده خود، فرمانبرداری از انسان به خاطر خدا.
- رهنمودهای اناجیل، روش چگونگی زیستن در مسیر کاملیت بر طبق سرمشق‌گیری از عیسی و کسانی که زندگی مقدس را پیشه ساخته‌اند به ما نشان می‌دهند. این رهنمودها باید به عنوان الگوی زندگی، سرمشق تمام مسیحیان باشند.

۶ — چهار رخداد آخر

۱. مرگ
۲. داوری
۳. دوزخ
۴. ملکوت (بهشت)